



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال پنجم، شماره پنجاه و دوم، دی ۱۳۹۷

دومین نشست از دوره چهارم هیأت امنای پژوهشگاه
جلسه مشترک کمیسیون دائمی هیأت امناء و هیأت رئیسه پژوهشگاه در پژوهشکده دانشنامه‌نگاری
هم‌اندیشی دبیران هیأت‌های اجرایی جذب مؤسسات پژوهشی سراسر کشور
جلسه «شورای سیاستگذاری سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی»
نشست «شورای سیاستگذاری طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»
دکتر قبادی: وزیر علوم، آموزش عالی را به‌خوبی می‌شناسد و به امور بسیار مسلط است
نشست مشترک پژوهشگاه با شرکت ایران خودرو
جای خالی علوم انسانی در ارتباط صنعت با دانشگاه؛ در گفتگو با دکتر قبادی
اولین جلسه هماهنگی مسئولان و دست‌اندرکاران چهارمین همایش ملی میثاق علوی
دیدار ماهانه اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه پژوهشگاه
تجلیل از خدمات علمی دکتر محمدعلی موحد

نشست‌ها و سخنرانی‌ها

مهمان افلاک

ادبیات و محیط زیست

کارنامه حقوق شهروندی

خوانش جایگاه زن در نهج‌البلاغه

فخر رازی، اندیشمندی جستجوگر

نگاه مردم به قدرت سیاسی در ایران

بررسی دلایل و ریشه‌های جنبش جلیقه‌زرها

نقش نهج‌البلاغه در جنبش‌های سیاسی ایران

بازخوانی انتقادی احکام استثناء در نحو عربی

مروری بر ترجمه‌های عربی از شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام

گفتگوی دکتر مطهری با دختران و پسران انقلاب پیرامون حجاب

بازخوانی روایت سه فرزانه شرقی در تاریخ فرهنگی مسیحیت

ظرفیت‌های علوم انسانی و اجتماعی در ارتباط با تولید و صنعت

تهران ۴۳، هفتاد و پنجمین سالروز برگزاری کنفرانس تهران

ما و مدرنیته؛ بررسی بنیان نظری کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم»

قرآن، باطن‌گرایی و غلو؛ تأملی در شکل‌گیری نظریه تفسیر باطن در تاریخ متقدم شیعه

دومین نشست از دوره چهارم هیأت امنای پژوهشگاه

در ادامه، دستورهای جلسه مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد پس از تأیید نهایی جهت اجرا به پژوهشگاه ابلاغ شود.

لازم به یادآوری است که همایش «ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت» در روزهای پنجشنبه و ششم اسفند ماه سال جاری در پژوهشگاه برگزار می‌شود.

دومین نشست از دوره چهارم هیأت امنای پژوهشگاه روز دوشنبه دهم دی ماه ۱۳۹۷ در محل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد.

در ابتدای این نشست که با حضور تمام اعضای هیأت امنای برگزار شد، گزارشی از اجرای برنامه راهبردی و همچنین روند پیشرفت همایش «ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت» ارائه شد که مورد استقبال اعضا قرار گرفت.



وزیر علوم، آموزش عالی را به خوبی می‌شناسد و به امور بسیار مسلط است



و توانایی بخشی از نخبگان کشور بیشتر به منصفه ظهور می‌رسد.

قبادی گفت: «اگر نمایندگان مجلس، جلسات بیشتری با وزیر علوم داشته باشند، نگرانی آنها قابل رفع است هر چند این امر ممکن است کمی زمان بر باشد».

وی افزود: «وزارت علوم در چند سال اخیر توان زیادی برای بی‌ثباتی داده است. کمتر وزارتخانه‌ای است که این میزان تغییرات وزرا را به خود دیده باشد. در زمان ریاست جمهوری دکتر روحانی ابتدا توفیقی، نجفی، فرجی دانا، فرهادی و با مدتها فاصله دکتر ضیاء هاشمی به وزارت علوم آمدند و در نهایت دکتر غلامی به عنوان وزیر علوم شناخته شد».

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تأکید کرد: «منافع ملی و مصالح دراز مدت کشور اقتضا می‌کند بیش از این وزارتخانه را به سمت بی‌ثباتی نبریم. چرا که تغییر وزیر، فرایندها را کند می‌کند به خصوص در شرایط فعلی که با تحریم روبرو هستیم».

وی ادامه داد: «تحریم در درجه اول با اتکاء به دانشگاه‌ها قابل مهار است و مراکز آموزشی و پژوهشی باید با ثبات کامل، انواع فعالیت‌ها را مقابل تحریم داشته باشند».

قبادی گفت: «به عنوان یک کارشناس در عرصه آموزش عالی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواهش دارم با گفتگوهای بیشتر، نگرانی خود را مرتفع سازند».

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفتگو با ایرنا تأکید کرد: «وزیر علوم، آموزش عالی را به خوبی می‌شناسد و مرحله به مرحله به وزارت رسیده است. پیش از این در حوزه‌های پژوهش فعالیت بسیاری داشته و سلوک اخلاقی آرامی دارد که اقتضای محیط علمی است».

حسینعلی قبادی روز دوشنبه در گفت و گو با خبرنگار گروه دانشگاه ایرنا اظهار کرد: درباره پرسش‌هایی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طرح کرده‌اند ذکر چند نکته ضروری است. نخست اینکه حق مجلس است که ناظر و نگران بوده و پرسش و دغدغه داشته باشد».

وی افزود: «به عنوان یک ایرانی این ایفای نقش نمایندگان را ستایش می‌کنم اما به عنوان فردی که ۴۲ سال از عمر خود را در آموزش عالی گذرانده‌ام، بسیاری از وزرا را از نزدیک دیده‌ام و با آنها کار کرده‌ام باید بگویم در شرایط فعلی، ما شاهد روند آرام و بسیار حرفه‌ای در وزارت علوم هستیم و شاید از جمله برهه‌هایی که وزارت علوم به صورت فنی و کاملاً حرفه‌ای اداره می‌شود، در زمان وزارت دکتر غلامی است».

قبادی خاطر نشان کرد: «به عقیده من نباید انتظار داشت یک وزیر علوم، آموزش عالی را پر سر و صدا اداره کند. اقتضای محیط آموزشی این است که آرام، فنی، کارشناسانه، با مهارت و تسلط اداره شود. غلامی در حوزه R&D، شرکت‌های دانش بنیان و کاربردی سازی بسیار مسلط است».

این مقام مسئول، اظهار کرد: «منش اخلاقی وزیر علوم مبتنی بر ارزش‌های انقلاب اسلامی است. در سایه چنین آرامشی است که دانشگاه‌ها می‌توانند رشد کنند و اصلاً ذات تمدن و علم همین است».

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی افزود: «با غوغا که نمی‌توان دانشگاه‌ها را اداره کرد. دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها رویکرد کاربردی وزارت علوم را پیش گرفته‌اند و دکتر غلامی در این زمینه مشوقانه کنار ما هستند».

وی یادآور شد که وزیر مجدانه به دنبال آن است که توازنی در سطح آموزش عالی ایجاد کند تا همه پا به پای هم رشد کنند. هم اکنون شاهد کاهش فنی زدگی در مجموعه آموزش عالی هستیم

باید قوانین و روش‌های جذب را با اهداف بلند توسعه هماهنگ سازیم

کشور به وجود آورند». دکتر قبادی با اشاره به برخی تجارب خود در هیأت جذب و گزینش گفت: «ما باید در جذب و حفظ دانش‌آموختگانمان بکوشیم، اما این تلقی که مثل چند دهه قبل عمل کنیم و هر کسی که مدرک دکتری گرفت را استاد دانشگاه بکنیم، در تضاد با برنامه‌ریزی توسعه است». در واقع در دنیا به گونه‌ای دیگر برخورد می‌کنند و دانش‌آموختگان دکتری می‌توانند بهترین کارشناسان بخش‌های توسعه مراکز و سازمان‌های مختلف کشور باشند و در خدمت‌رسانی به کشور مؤثرتر باشند. البته این موارد از بافت و ساختار هیأت جذب فراتر است، اما هیأت جذب می‌تواند موضوع را کارشناسی و به مسئولان کشور پیشنهاد دهد».

وی تأکید کرد: «طبق آمارها تعداد دانش‌آموختگان ما ۳۰ برابر اوایل انقلاب است؛ اما دانشگاه‌های ما آیا با همین شتاب توسعه پیدا کرده‌اند؟ دانشگاه باید سرمایه‌ انسانی بسازد برای خدمت و توسعه بخش‌های مختلف کشور در تمامی سطوح. دانشگاه که کارخانه تولید مدرک نیست. البته در مورد فارغ‌التحصیلان نخبه شرایط فرق می‌کند». دکتر قبادی یادآور شد: «خوشبختانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال «حمایت از کالای ایرانی» همایش ملی پیوند علوم انسانی و صنعت را برگزار می‌کند که متولیان صنعت نیز در این همایش حضور مؤثری دارند که برای رفع برخی مشکلات موجود باید قوانین و روش‌های جذب را با اهداف بلند توسعه هماهنگ سازیم».

نشست هم‌اندیشی دبیران هیأت‌های اجرایی جذب مؤسسات پژوهشی سراسر کشور روز دوشنبه دهم دی ماه ۱۳۹۷ به میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



در ابتدای مراسم دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن عرض خیر مقدم، گفت: «ما امانتی در دست داریم که باید خیلی مراقبت کنیم به ناهلان واگذار نشود. اما درست در دل همین واقعیت با امانت دیگری به نام «انسان» روبرو هستیم و باید به دقت مراقبت کنیم تا انسان‌هایی به ناحق رانده نشوند. آماري که از حضور دانش‌آموختگان ایرانی در اقصی نقاط عالم هست، آمار فوق‌العاده حائز اهمیتی هست. اول اینکه، سرمایه‌های ما در خارج از کشور هستند. دوم اینکه، این سرمایه‌ها می‌توانند در صورت بی‌توجهی مشکلاتی برای



در ادامه رئیس مرکز جذب اعضای هیات علمی وزارت علوم گفت: «شرکت کنندگان در فراخوان‌های جذب اعضای هیأت علمی همگی دارای صلاحیت علمی و عمومی کافی برای خدمت در دانشگاه‌ها هستند و فعالیت هیأت‌های اجرایی جذب و مرکز جذب در سطح وزارتخانه برای شایسته‌ترین افراد است. بدکتر محمد رضا رضوان طلب در نشست دبیران هیأت‌های جذب مؤسسات پژوهشی اظهار داشت: «بیش از ۸۰ درصد امور جذب از نظر علمی و صلاحیت

ما با امانتی به نام «انسان» روبه‌رو هستیم و باید به دقت مراقبت کنیم تا انسان‌هایی به ناحق رانده نشوند.

مؤسسات پژوهشی را متحول کند.» وی با تأکید بر محور بودن پژوهش معطوف به هدف در مؤسسات پژوهشی و پژوهشگاه‌ها، گفت: «خارج شدن از این زمینه و انجام اموری همانند دانشگاه‌ها در این مراکز از قبیل پذیرش دانشجوی دکتری، به عملکرد این مؤسسات لطمه وارد می‌کند.»

در ادامه این نشست دبیران هیأت‌های جذب مؤسسات پژوهشی نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود را در زمینه مسائل خاص و متفاوت این مؤسسات در مقایسه با دانشگاه‌ها بیان کردند و مسئولان مرکز جذب وزارت علوم ضمن ارائه پاسخ به سؤالات بر پیگیری و لحاظ کردن موارد مطرح شده در قوانین و فرآیندها تأکید کردند.

عمومی در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی صورت می‌گیرد و مرکز جذب صرفاً به لحاظ شکلی بر پرونده‌ها نظارت می‌کند تا جذب براساس امتیازات افراد و مرقانون صورت گیرد.»

وی تأکید کرد: «دبیران جذب در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی مسئولیت شفاف‌سازی امور جذب را برعهده دارند و باید به ابهاماتی که از طرف متقاضیان می‌شود پاسخ صریح بدهند و برای این کار باید وقت کافی اختصاص دهند.»

دکتر رضوان طلب در ادامه این نشست به بیان نکاتی در خصوص بهبود عملکرد مؤسسات پژوهشی پرداخت و پرهیز از اهداف کلی، تعیین مأموریت‌های مشخص و تعریف پژوهش براساس تقاضای کارفرمای مشخص را از جمله نکاتی دانست که می‌تواند فعالیت



جای خالی علوم انسانی در ارتباط صنعت با دانشگاه در گفتگو با دکتر قبادی

آن محل را توانمند کرد تا در زیست‌بوم خودشان بتوانند مفید باشند، اشتغال داشته باشند و احساس امنیت کنند. علاوه بر این در حوزه‌های شهری هم اقدامات زیادی انجام داده‌ایم. با این حال باید به این نکته توجه کرد که یکی از مشکلات ما در شکاف ارتباطی بین دانشگاه و صنعت، این است که موضوعات غالباً تک‌بعدی دیده شده است. در حالی که این ارتباط دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و .. است و باید علوم انسانی به کمک دانشگاه‌های فنی و مهندسی بیاید و مسیر ارتباط خود را با صنعت پیدا کند. در ارتباطاتی که با صنعت‌گران داشتیم، به وضوح به این نتیجه رسیده بودند که علوم انسانی تاثیر بسیار زیادی در صنعت دارد و امیدواریم زمینه خوبی باشد تا حمایت شویم و بتوانیم به پیشرفت برسیم.

یکی از مشکلات ما در شکاف ارتباطی بین دانشگاه و صنعت، این است که موضوعات غالباً تک‌بعدی دیده شده است.

یکی از مشکلات ما در شکاف ارتباطی بین دانشگاه و صنعت، این است که موضوعات غالباً تک‌بعدی دیده شده است. در حالی که این ارتباط دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و .. است و باید علوم انسانی به کمک دانشگاه‌های فنی و مهندسی بیاید و مسیر ارتباط خود را با صنعت پیدا کند. عموم تحقیقات آکادمیک ایران در خدمت منافع جامعه است؛ حتی آن دسته از مقالات و کتاب‌های

علمی که به ظاهر و در نگاه اول ناظر به حل مشکلات جامعه نیست، رتبه علمی ایران و به موازات آن اعتبار کشور را بالا می‌برند. این مسئله در حوزه سلول‌های بنیادی هم پیش آمده بود، گروهی گمان می‌کردند که این تحقیقات مرتبط با نیاز جامعه نیست ولی در درازمدت دیدیم که منافع و امنیت ملی ما در گرو اینگونه تحقیقات است. بنابراین حتی اگر تحقیقاتی در مرحله اول ناظر به نیاز جامعه نباشد، دست کم نگاه دنیا را به کشور ما تغییر می‌دهد. با این حال دسته دیگری از تحقیقات هستند که از همان اول مرتبط با نیاز جامعه بستر سازی می‌شوند. به‌عنوان مثال در حوزه توانمندسازی افراد برای ایجاد اشتغال. این تحقیقات هم کارکرد خود را دارند و دسته اول تحقیقات هم کارکرد خودشان را دارند. شاید دسته اول در ظاهر دردی از ما دوا نکند، اما در تراز رتبه‌های علمی جهانی به نفع ما خواهد بود. از طرفی دیگر بسیاری از راهکارها، از راهبردهای علمی بیرون می‌آید؛ راهبردهایی که از علوم نظری استنتاج می‌شود و به راهکار و سیاست ختم خواهد شد.

این راهبردها ناظر به حل مشکلات اجتماعی هستند و به نفع اجتماع کار می‌کنند. در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز اقدامات پژوهشی زیادی انجام شده که مهم‌ترین آن توانمندسازی افراد در مناطق با امکانات کم‌تر مانند سیستان و بلوچستان و بنادر ساحلی مکران و ... است که در فرایند این پژوهش توانسته‌ایم به یک الگوی بومی دست یابیم و نشان دهیم چطور می‌شود با مختصات یک منطقه و روستا، افراد

اولین همایش ملی
ارتباط علوم انسانی، تولید و صنایع

زمینه‌های همایش:

- تاریخ
- اخلاق
- اقتصاد
- فرهنگ

- ۱- ارزیابی انتقادی و تلفیقی
- ۲- مطالعات تطبیقی و بیرون‌مرکزی
- ۳- بررسی چالش‌ها و منابع
- ۴- بررسی امکان‌ها و ظرفیت‌ها
- ۵- ارائه راهکارهای علمی، فنی و بوم

صاحب‌مجلس: دکتر سید علی حسینی
تاریخ برگزاری: ۵ و ۶ اسفندماه ۱۳۹۷
مکان برگزاری: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مرکز همایش‌های سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران
آدرس دبیرخانه: تهران، بزرگراه کروستان، خیابان دکتر صادق آئینه وند (خیابان ۶۴ هرس)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

www.hiconf.ihcs.ac.ir



جلسه مشترک کمیسیون دائمی هیأت امناء و هیأت رئیسه پژوهشگاه در پژوهشکده دانشنامه‌نگاری

فعالیت‌های دانشنامه‌نگاری، ترویجی‌سازی و آموزش شیوه‌های نوین دانشنامه‌پژوهی، بین‌المللی‌سازی فعالیت‌ها و کاربردی‌سازی و مسئله‌محورسازی دانشنامه‌ها، جلب مشارکت و همکاری سایر دستگاه‌ها به ویژه سازمان‌های اجرائی و مدیریتی کشور مطرح کردند.

صبح روز یکشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۷، کمیسیون دائمی هیأت امناء و هیأت رئیسه پژوهشگاه، جلسه مشترکی را در پژوهشکده دانشنامه‌نگاری برگزار کردند. در این جلسه که با حضور دکتر پاکتچی، رئیس پژوهشکده و دکتر اسماعیلی، معاون پژوهشکده دانشنامه‌نگاری برگزار شد، مسائل و موضوعات این پژوهشکده مورد بحث و بررسی قرار گرفت و حاضران دیدگاه‌های خود را در خصوص بهینه‌سازی



گزارش جلسه هماهنگی مسئولان و دست‌انداران چهارمین همایش ملی میثاق علوی

تاکنون در حدود ۱۳۰ اثر به دبیرخانه ارسال شده که در حال حاضر فرآیند پالایش اولیه و ارسال آثار برای داوران منتخب را طی می‌کنند. مجموعه داوران شامل شش نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و دیگر دانشگاه و همچنین چهار نفر از اساتید حوزه های علمیه است.

این همایش در مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۷ در دو بخش برگزار خواهد شد. بخش اول از ساعت ۹ تا ۱۲ شامل برنامه‌های عمومی است که به‌زودی به اطلاع همگان خواهد رسید و بخش دوم از ساعت ۱۳ تا ۱۵ شامل سه پنل تخصصی با حضور صاحبان آثار و دیگر پژوهشگران و محققان است.

درضمن دکتر فاطمه احمدی (معاون علمی)، ملیحه تعادلی (مدیر کمیته داوران)، عترت خاموشی (مدیر پالایش و دسته بندی آثار) و شاپور نیکبخت شیبانی (مدیر امور اداری و پشتیبانی)، مرتضی جاویدکار (مدیر امور حفاظت)، حسین صالحی (مدیر امور هماهنگی)، حسن مرادخانی (مسئول تدارکات)، دکتر حوریه احدی (مدیر امور روابط عمومی)، اکرم سلامی (مدیر امور فناوری اطلاعات)، مژگان کوشا (مدیر امور داخلی)، اعظم صدیق (مسئول دبیرخانه) و بهناز عبادی (مسئول امور مالی همایش) نیز در این نشست حضور یافتند تا هماهنگی‌های لازم با هریک از این بخش‌ها انجام شود.



اولین جلسه هماهنگی مسئولان و دست‌انداران چهارمین همایش ملی میثاق علوی روز شنبه، ۲۲ دی ماه ۱۳۹۷ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با میزبانی مرکز تحقیقات امام علی (ع) برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر سید سجاده علم الهدی، رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع) و رئیس همایش ضمن تبریک روز میلاد حضرت زینب (س) با ارائه مطالبی در خصوص اهداف و سیاست‌های این دوره از همایش، اشاره و از برگزاری مشترک همایش با همکاری حوزه‌های علمی حضرت خدیجه (س)، الغدیر، مرکز تحقیقات امام علی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ابراز خرسندی کرد و ابراز داشت که این گونه همکاری‌ها موجب گسترش روابط علمی و پژوهشی بین حوزه و دانشگاه شود.

سپس نیره فضایی، رئیس حوزه علمیه حضرت خدیجه (س) و دبیر همایش، ضمن مروری بر دوره‌های قبلی این همایش، به ارائه گزارش در خصوص روند شکل‌گیری و فعالیت‌هایی که تاکنون انجام شده است پرداخت. وی علاوه بر تبیین سیاست‌های علمی و اجرایی به توضیح فرایند و چرخه امور و همچنین الزامات توجه دقیق به وظایف محوله مربوط به بخش‌های علمی و اجرایی همایش اشاره کرد.

در ادامه محمدعلی معتضدیان، معاون اجرایی مرکز تحقیقات امام علی (ع) و معاون اجرایی همایش، با اشاره به ساختار طراحی شده برای همایش به معرفی بخش‌های مختلف علمی و اجرایی و همچنین شرح وظایف آنان پرداخت.

دکتر فاطمه احمدی، معاون علمی همایش، نیز با اشاره به روند دریافت آثار پس از ارسال فراخوان به این نکته اشاره داشت که



جلسه شورای سیاستگذاری سومین کنگره بین المللی امام علی (ع) پژوهی

۱- مبانی نظری صلح با زیر محورهای، اصالت کرامت و حقوق انسان، اصالت صلح و صلح گرایی، خرد گرایی در فرهنگ صلح، الهیات صلح (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی)، پاسداشت حقوق اقلیت‌های مذهبی، معناشناسی درباره صلح

۲- مختصات فرهنگ صلح با زیر محورهای ماهیت صلح‌گرایی، عوامل و موانع صلح

۳- رابطه صلح و مفاهیم ارزشی با زیرمحورهای صلح و عدالت، صلح و اخلاق، صلح و حقوق انسانی، صلح و دین‌مداری

۴- مناسبات جنگ و صلح با زیرمحورهای آثار صلح و جنگ، رابطه و محدوده جنگ و صلح در نگاه دینی، بررسی و تحلیل جنگ‌های عصر حکومت امام علی (ع)

۵- مطالعه تطبیقی فرهنگ صلح با سایر ادیان و مکاتب با زیرمحورهای بررسی تطبیقی دیدگاه امام علی (ع) و صاحب‌نظران سایر ادیان و مکاتب، مقایسه دیدگاه اسلام و سایر ادیان توحیدی و غیرتوحیدی پس از اعلام پنج محور فراخوان آثار سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی جلسه نیز با ذکر صلواتی خاتمه یافت.

دومین جلسه شورای سیاستگذاری سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی با حضور دکتر مهدی گلشنی، دکتر مصطفی دلشاد تهرانی، دکتر ناصر الهی، دکتر عبدالمحمد محمدی، مصطفی شیرزاد، مهدی رضانی چابک، دکتر سیدسجاد علم الهدی و محمدعلی معتضدیان روز شنبه ۸ دی ماه ۱۳۹۷ به میزبانی مرکز تحقیقات امام علی (ع) در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این جلسه ضمن بررسی مصوبات کمیته علمی در خصوص شعار کنگره، بحث پیرامون محورهای علمی فراخوان آثار نیز مطرح شد. همچنین هریک از حاضرین به اظهار نظر در خصوص شعار این دوره از کنگره پرداخته و بعد از تبادل نظر، این عبارت را مورد تصویب قرار دادند: «فرهنگ صلح در اندیشه و سیره امام علی علیه السلام؛ بازخوانی گفتمان با رویکردی جهانی، چالش امروز و طرحی برای فردا» سپس اعضای شورای سیاستگذاری، محورهای پنجگانه و زیر عنوان‌های پیشنهادی کمیته علمی را مورد بررسی قرار دادند که با توجه به جنبه‌های گوناگون مطرح شده در محورهای پیشنهاد شده به جمع‌بندی کلی به این شرح پرداختند که پنج محور اصلی فراخوان آثار سومین کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی با توجه به اندیشه و سیره امام علی (ع) به ترتیب زیر اعلام شد:



نشست «شورای سیاستگذاری طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور»

طرح‌ها به تصویب رسیدند و اعضای شورای سیاستگذاری درباره این موضوع و راه‌های تدوین الگوی اثربخشی خروجی‌ها نظرات و پیشنهادهای خود را ارائه کردند و ...

از دیگر موضوعات مهم مطرح شده در این نشست پیشنهاد دو تن از استادان عضو شورا دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر سید محمدرضا حسینی بهشتی، درباره اهمیت و ضرورت توجه به موضوع «زبان فارسی» بود. دو استاد پیشکسوت و صاحب نظر حوزه علوم انسانی کشور و دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و رئیس طرح جامع اعتلاء تأکید داشت با توجه به مجموعه فعالیت‌های گسترده و متنوع طرح جامع اعتلاء و چشم‌انداز کلان طرح مبنی بر توجه به مسائل مهم، نیازها و چالش‌های جامعه ایران، شایسته به نظر می‌رسد طرحی مرتبط با «زبان فارسی» و هویت ایرانی و چالش‌های پیش روی این حوزه، طراحی و با استفاده از ظرفیت شبکه نخبگانی گسترده‌ای که با این طرح جامع در ارتباط هستند، از صاحب‌نظران و متخصصان علوم انسانی دعوت به عمل آید تا در این زمینه فعالیت‌هایی را صورت دهند.

بیست و پنجمین نشست شورای «سیاستگذاری طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» در تاریخ دوشنبه ۳ دی ماه ۱۳۹۷ در تالار اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای این شورا تشکیل شد. در ابتدای این نشست دکتر فوزی، دبیر طرح و دانشین رئیس پژوهشگاه در طرح جامع اعتلاء، گزارشی از فعالیت‌های صورت گرفته ظرف یک ماه گذشته، حد فاصل نشست بیست و چهارم شورا تا نشست بیست و پنجم ارائه کرد. از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های مورد اشاره رونمایی از ۵ طرح پایان یافته در طرح اعتلاء به مناسبت هفته پژوهش و همچنین انتشار جدیدترین شماره فصلنامه تخصصی طرح جامع اعتلاء بود. وی ضمن اشاره به گردآوری مقالات و انجام مصاحبه برای شماره پنجم نشریه با موضوع محوری «دین و علوم انسانی» از اعضای شورا و همچنین دیگر اصحاب جامعه علمی کشور دعوت کردند تا در این زمینه با نشریه همکاری بیشتری داشته باشند. بخش بعدی نشست بررسی چهار طرح نامه در طرح جامع اعتلاء بود که براساس آراء و نظرات اعضای شورای سیاستگذاری ضمن در نظر گرفتن برخی نکات تکمیلی این



نشست مشترک پژوهشگاه با شرکت ایران خودرو

شوند که در این راستا همایش اخیر می‌تواند گامی ابتدایی اما بسیار ضروری و مهم برای برقراری این پیوند باشد و در فرایند همایش در قالب پنل‌ها و نشست‌های تخصصی مورد توجه قرار گیرد». در ادامه نشست دکتر سید رحیم ربانی زاده، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه ضمن مهم

در راستای هماهنگی و تشریک مساعی برای برگزاری هرچه بهتر اولین همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت، روز چهارشنبه جلسه‌ای با حضور مدیران ارشد پژوهشگاه و مدیران شرکت ایران خودرو برگزار شد. در این جلسه که روز چهارشنبه بیست و ششم دی



توصیف کردن رابطه صنعت خودرو و پژوهشگاه، ابراز امیدواری کرد که تشریک مساعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و ایران خودرو در برگزاری موفق این همایش مسأله محور و هدفمند، می‌تواند از گفتگوی علوم انسانی و صنعت که اکنون همچون گفتگوی ناشنویان است به شکل‌گیری یک «میز صنعت خودرو» در پژوهشگاه برای مسأله‌شناسی و تحلیل مسائل اجتماعی این صنعت و ارائه راهکارهای عملی در قالب طرح‌های پژوهشی کاربردی در پژوهشگاه تبدیل شود.

در این نشست دکتر منصور ساعی، نیز با تأکید بر آمادگی پژوهشگاه برای مستندسازی تجربیات ایران خودرو در حوزه‌های مختلف، تأکید کرد: «مستندسازی تجربیات پروژه‌ها در حوزه‌های منابع انسانی، فرآیندها و محصولات و خدمات و نظایر آن موجب انتقال تجربه‌ها به نسل‌های دیگر و جلوگیری از تکرار اشتباهات و کاهش هزینه‌ها می‌شود. وی همچنین بر ضرورت ورود علوم انسانی به موضوعاتی چون تعلق سازمانی در حوزه صنعت و تأثیر آن بر کیفیت و کارآمدی و بهره‌وری سازمانی و همچنین مدیریت هویت برند و اهمیت جایگاه توجه به افکار عمومی در صنعت تأکید کرد». در این جلسه دکتر کاکایی، مشاور وزیر صنعت،

ماه جاری در مرکز مدیریت ارتباطات ایران خودرو برگزار شد، دکتر بهروز ذری، دبیر علمی همایش ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت، با تأکید بر زمینه‌های مشترک همکاری، گفت: «این همایش فرصتی برای به اشتراک‌گذاری تجربه‌های مثبت صنعت خودروسازی در بعد علوم انسانی و شکل‌گیری تعامل گفتگوی علوم انسانی و صنعت خودرو است. همایش مقدمه‌ای برای ایجاد یک تعامل سازنده و مستمر در حوزه پاسخگویی علوم انسانی به مسائل مختلف صنعت خودرو در بعد اجتماعی و انسانی است».

دکتر مهنوش هدایتی، دبیر شورای سیاستگذاری و رئیس دبیرخانه همایش نیز با اشاره به اهمیت حضور صنعت خودروسازی به عنوان یکی از صنایع پیشرو و دارای قدمت در ایران در این همایش، گفت: «در حوزه‌هایی نظیر مسئولیت اجتماعی، پایش و تحلیل و اقلان افکار عمومی درباره صنایع، عوامل و متغیرهای انسانی مؤثر بر کیفیت محصولات، حتی شرح سیر تحول تاریخی صنایع در ایران، بهره‌گیری از دانش زبان شناختی، دانشنامه نگاری و بسیاری حوزه‌های دیگر علوم انسانی می‌تواند به یاری توسعه ملی و بهبود بهره‌وری صنعتی و سازمانی بیاید و هر دو حوزه صنعت و علوم انسانی می‌توانند از ظرفیت‌های مغفول یکدیگر بهره‌مند

آقایی، مدیر مرکز ارتباطات و اطلاع رسانی ایران خودرو، نیز با استقبال از ضرورت مشارکت فعال در همایش علوم انسانی و صنعت، گفت: «ما برنامه‌های متعددی در حوزه منابع انسانی در شرکت ایران خودرو پیاده کرده‌ایم که منجر به نتایج و تجربه‌های مثبتی شده است. این نتایج قابل ارائه و تحلیل و ارزیابی در نشست‌ها و کارگاه‌هایی در همایش است.»

معدن و تجارت در امور صنعت خودرو، نیز با اشاره به اهمیت شرکت فعال صنعت خودرو در همایش، گفت: «پاسخ مسائل امروز ما در صنعت خودرو در علوم انسانی یافت می‌شود و این همایش می‌تواند فضایی برای گفتن و شنیدن و شنیده شدن دغدغه‌های اجتماعی صنعت خودرو در ایران باشد تا در یک محیط علمی به گفتگویی مشترک در مورد این صنعت و مسائل مشترک جامعه و صنعت برسیم.»

انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی

دکتر فاطمه براتلو را به سمت معاون پژوهشکده مطالعات اجتماعی و دکتر شکوه السادات حسینی را به سمت سرپرست دفتر همکاری های علمی و بین المللی پژوهشگاه منصوب کرد. همچنین دکتر اعظم قاسمی نیز با حکم رئیس پژوهشگاه در سمت مدیر گروه پژوهشی کلام و فلسفه دین ابقاء شد.

دکتر نجاری در جمع برگزیدگان هفدهمین جشن سالیانه منتقدان خانه تئاتر

به گزارش واحد روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مقاله دکتر محمد نجاری با موضوع؛ «ظرفیت های نمایشی منظومه زرین قبانامه بر اساس شخصیت پردازی سلیمان نبی(ع)» (چاپ شده در ویژه نامه کهن نامه ادب پارسی، زمستان ۱۳۹۵) به عنوان مقاله برتر هفدهمین مسابقه سالانه انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران تئاتر کشور برگزیده شد. کسب این موفقیت را به دکتر نجاری تبریک عرض می‌کنیم و امیدواریم موفقیت‌های علمی ایشان همچنان تداوم داشته باشد.



تجلیل از خدمات علمی دکتر محمدعلی موحد

در ادامه پیام تلفنی شارل هانری دوفوشه کور، ایران‌شناس فرانسوی، برای حاضران پخش شد. سپس دکتر مرقاتی، عضو هیئت مدیره بنیاد شمس و مولانا، پیام محمدرضا پورمحمدی، استاندار آذربایجان شرقی، را قرائت کرد که موحد را دانشمندی نوآور و دقیق‌نظر نامیده بود که خلوص و پاکی را در وجودش نهادینه کرده است.

پس از آن احمد جلالی - سفیر ایران در یونسکو - گفت: استاد موحد بزرگ است و بزرگداشت نمی‌خواهد. ما در واقع تاریخ و فرهنگ‌مان را بزرگ می‌کنیم و برای نوجوانان خود دست خوش



بازی‌های خطرناک هستند مقرر استوار و دستاویز بزرگ معرفی می‌کنیم. او با ابراز امیدواری برای برگزاری بزرگداشت محمدعلی موحد در مقر یونسکو با حضور این چهره، اظهار کرد: حاصل عمر موحد به خدمت ملی و خدمت استراتژیک تبدیل شده است. صدای تفرقه‌انگیز و تجزیه‌طلبی را می‌شنوید، اصطلاح جعلی قوم فارس را می‌شنوید، در حالی که قوم فارس نداریم، زبان فارسی داریم که چتر خود را بر ایران گسترده است. موحد از مجموعه این زبان، معرفتی را برای ما معرفی می‌کند. جلالی با بیان این‌که موحد شیرین‌مخضر و نوشین‌قلم است، افزود: گویا خداوند موحد را فرستاد تا میراث‌دار مولانا باشد و بیت‌های او را از تفسیرهای مختلف رهایی ببخشد. وجود محمدعلی موحد حادثه است. حکمت و فرزاندگی، جامعیت و تواضع و اخلاق مفاهیمی است که در وصف معلم می‌گوییم و در وجود موحد جمع است. کارهای تحقیقی استاد این نام را زنده کرده است: معلم. کارهای موحد برای ایران است و از پایگاه ایران برای بشریت.

پس از آن استاد حسین معصومی همدانی اشاره کرد که محمدعلی موحد بیش از ۷۰ سال است در عرصه علم و تحقیق حاضر است، اما در یکی دو

مراسم تجلیل و بزرگداشت دکتر محمدعلی موحد روز سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۷ در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با حضور چهره‌های علمی و فرهنگی از جمله، شفیع‌ی کدکنی، فتح‌الله مجتبایی، محمد مجتهد شبستری، حداد عادل، معصومی همدانی، توفیق سبحانی، احمد جلالی، حجت‌الایوبی، حسن بلخاری، علی دهباشی، سید تقی

کبیری (نماینده مجلس خوی و چاپ‌پاره)، رئیس تولیت شمس تبریزی، و... برگزار شد. (به پاس هفت دهه خدمات فرهنگی و ادبی و رونمایی از ترجمه مقالات شمس تبریزی به فرانسه توسط شارل هانری دوفوشه کور)

کمیسیون ملی یونسکو - ایران، اولین نشان عالی یونسکو را به دکتر موحد، حقوق‌دان و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تاریخ‌نگار و عرفان‌پژوه، اهدا کرد. همچنین مراسم رونمایی از ترجمه مقالات شمس تبریزی به فرانسه در ۶ جلد توسط پروفیسور شارل هانری دوفوشه کور، برگزار شد. در این برنامه ابتدا کلیپی از سخنان استاد ملکیان پخش شد. ملکیان با تبیین جایگاه محمدعلی موحد در فرهنگ ایران، وجود او را به یک اثر هنری تشبیه کرد و تخصص، سخت‌کوشی و چند بعدی بودن وی را ستود.

در ادامه مراسم، حجت‌الایوبی - دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران - از تواضع استاد و این‌که تمایل به برگزاری بزرگداشت نداشته‌اند، سخن گفت. او افزود ما به امثال موحد نیاز داریم و آنها به ما نیازی ندارند. ایوبی با اشاره به ترجمه مقالات شمس تبریزی به زبان فرانسه توسط شارل هانری دوفوشه کور اظهار کرد: با توجه به ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی که در غرب وجود دارد، این ترجمه چهره جدیدی از ایران و اسلام ارائه خواهد داد. این ترجمه به مسلمانان تحقیرشده احساس قدرت و عزت خواهد داد.

دهه اخیر شناخته شده است. دکتر ترجیح می‌داد دور از انظار عمومی به تحقیق و نوشتن بپردازد. حدود ۳۰ سال پیش بر خواص شناخته شد و ترجمه‌ها و نوشته‌های او در روزگار جوانی نوید ظهور یک محقق پرتوان و جامع‌الاطراف را می‌داد. در ادامه این مراسم دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، موحد را در علم و اخلاق یگانه دانست و افزود: سابقه آشنایی من با او به سال ۵۲ و جلسه فلسفه تطبیقی مرتضی مطهری برمی‌گردد. در سال ۷۴ که من ریاست فرهنگستان را بر عهده گرفتم او را برای عضویت پیوسته این مجموعه به شورا معرفی کردم. او افزود: دکتر موحد به معنای تمام کلمه دانشمند است و به تمام علوم حوزوی و معارف اسلامی آشناست و بر زبان عربی تسلط دارد. شعر را می‌شناسد و حتی شعر می‌سراید. تصحیح مقالات شمس او کاری کارستان بود و افق تازه‌ای را در عرصه مولوی‌پژوهی روی محققان گشود. دکتر موحد یکی از سرآمدان مولوی‌پژوهی در جهان است.

در این مراسم نشان عالی یونسکو با حضور حجت‌الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران، احمد جلالی، سفیر ایران در مقرر یونسکو، سلطان‌زاده، دبیر دفتر منطقه‌ای یونسکو، محمدرضا شفیعی کدکنی، توفیق سبحانی و فتح‌الله مجتبابی به محمد علی موحد اهدا و همچنین از تمبر یادبود او رونمایی شد.

پس از اعطای نشان، دکتر موحد با حضار به صحبت نشست و از برخی عملکردهای آموزش و پرورش انتقاد کرد و از دانشجویان حاضر در مراسم خواست «طلبه» باشند. موحد از برگزارکنندگان

مراسم تشکر کرد و از یونسکو خواست به وضعیت آموزش و پرورش جوانان کشور بیشتر اهتمام کند و به عبارتی میراث زنده را به جای میراث مرده پاس دارد. وی خطاب به دانشجویان حاضر در این جلسه اظهار کرد: در این مراسم بارها نام شمس و مولانا برده شد، حتی عنوانی که «دوفوشه‌کور» برای ترجمه مقالات در نظر گرفته، «در طلب گوهر» است که این عنوان را از شمس گرفته است. این مسئله طلب چیست؟ جوانان باید به این موضوع توجه کنند. می‌گویند فرقی که انسان قبل از رنسانس و بعد از رنسانس دارد این است که انسان قبل از رنسانس منفعل است و انسان بعد از رنسانس کنش‌گر و زیادی‌طلب است. اگرچه شاخص انسان مدرن این است، باید گفت شمس و مولانا نیز به این مطلب توجه داشته‌اند. طلب و فزون‌خواهی از ارکان مهم آثار مولاناست. او از انسان‌ها می‌خواهد تا قانع نباشند و متوقف نشوند. من از شما می‌خواهم درباره طلب فکر و من را دعا کنید.

در پایان، تقی کبیری، نماینده مردم خوی و چابپاره، کلید طلایی این شهر و سردیس مطالای شمس را به محمدعلی موحد اهدا کرد. همچنین تندیس نقره‌ای دانشگاه تهران و والاترین نشان این دانشگاه به دکتر موحد اهدا شد.

از طرف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی لوح تقدیر و گلدان میناکاری از سوی خانم دکتر عاملی رضایی، رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا به نیابت از طرف دکتر حسینعلی قبادی به دکتر محمدعلی موحد اهدا شد. سایر مراکز پژوهشی و فرهنگی نیز هدایایی تهیه کرده و به رسم یادبود به استاد اهدا کردند.





دیدار ماهانه اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه پژوهشگاه

سیاست‌هایی که تاکنون آماده شده کوشش بر این است تا اعضا محترم پژوهشگاه درگیر باشند. در ضمن کارگروه‌های دیگری نیز تشکیل شده که یکی از آنها با نمایندگان محترم پژوهشگاه که در واقع حلقه واسط بین برنامه راهبردی و پژوهشگاهها هستند و دیگری کارگروه نظارت و ارزیابی و پیشبرد برنامه است که کارهای اساسی و مهم در این گروه آماده می‌شود و در آخر از اعضا نظرسنجی می‌شود. مرکز در بررسی عوامل، دسته‌بندی‌هایی را به منظور نتیجه بهتر انجام داده است و عوامل داخل را به سه حوزه مأموریتی پژوهش، ترویج و قدری کم‌رنگ‌تر آموزش و یک حوزه مدیریتی و پشتیبانی اختصاص داده و تلاش شده تا نقاط قوت و ضعف در این حوزه‌ها احصاء شود. همچنین در حوزه عوامل خارجی به محیط دور و نزدیک توجه شده و از این بعد به آنها نگاه شده تا فرصت‌ها و تهدیدها بهتر احصاء شوند. در همین رابطه، اسناد بالادستی بررسی شده که از مهمترین آنها سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه انسانی، سیاست‌های کلی نظام اداری، سیاست‌های کلی علم و فناوری، نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی و قانون برنامه ششم توسعه و مواردی از این دست بود که به طور کلی ۳۲ مفهوم به جهت بهره‌گیری از این اسناد استخراج شده تا بتوانیم از آنها در برنامه استفاده کنیم. تاکنون پیش‌نویس اولیه حدود ۱۰ راهبرد و ۳۰ سیاست را آماده کردیم که تاکنون به مرحله نهایی نرسیدند و به منظور بررسی و تکمیل برنامه‌ها، پیش‌نویس را برای مدیران محترم پژوهشگاه، رؤسای محترم پژوهشگاهها و معاونان محترم ارسال کردیم تا نظرات و پیشنهادات آنان را به منظور آماده‌سازی فرمت نهایی برای ارائه به هیئت امنا دریافت کنیم.

رضایی درباره فعالیت‌ها و عملکردهای صورت گرفته در مرکز گفت: «در فرایند تدوین برنامه راهبردی، ما برنامه‌های راهبردی مؤسسات آموزشی و همچنین پژوهشی دیگر را مورد توجه قرار دادیم از جمله برنامه راهبردی دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه گیلان، دانشگاه گلستان، دانشگاه شیراز و همچنین پژوهشگاه‌های مختلف مانند پژوهشگاه ژنتیک، پژوهشگاه مواد و انرژی، و پژوهشگاه‌های

دیدار ماهانه دی ماه ۱۳۹۷ با حضور دکتر نصیری، مدیر دفتر امور هیئت علمی، دکتر مسعود رضایی، مدیر محترم مرکز نظارت و ارزیابی پژوهشگاه و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه برگزار شد. در ابتدای جلسه دکتر نصیری از دکتر رضایی دعوت کردند تا گزارشی را به منظور معرفی مرکز نظارت و ارزیابی و فعالیت‌ها و عملکردهای آن ارائه نمایند.



دکتر مسعود رضایی، ضمن اشاره به این موضوع که دفتر نظارت و ارزیابی پژوهشگاه در این روزها بیش از همه درگیر تدوین برنامه راهبردی پژوهشگاه است و اعضای نیز از پژوهشگاه‌های مختلف عضو کارگروه‌های مرکز می‌باشند که در این خصوص با یکدیگر فعالیت می‌کنند، خاطر نشان کرد: «در این رابطه از الگوی جامع مدیریت استراتژیک دیوید استفاده می‌کنند و مشغول آماده‌سازی چشم‌اندازها و الگوها، بررسی عوامل خارجی و داخلی، و در نهایت رسیدن به برنامه‌های کلان و سیاست‌ها و راهبردهای برنامه دوم هستند».

وی در ادامه افزود: «تاکنون ۲۲ جلسه کارگروه‌های تخصصی با نمایندگان محترم و همچنین کارگروه‌های مشورتی با اعضا محترم هیئت رئیسه داشتیم و ۱۲ جلسه نیز با رؤسای محترم پژوهشگاهها و مراکز برگزار کردیم تا بتوانیم عوامل خارجی و داخلی، نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها را بهتر و دقیق‌تر و واقع‌گرایانه احصاء کنیم. در این مرکز تلاش شده تا برنامه‌ها برخواسته از بدنه باشد و در بررسی عوامل داخلی و خارجی و همچنین در بازبینی و تنقیح راهبردها و



دیگر که می‌توانستند برای ما مفید باشد». وی ضمن ابراز امیدواری از اینکه در پایان تدوین برنامه راهبردی پژوهشگاه، نقشه استراتژی پژوهشگاه را نیز آماده شود، گفت: «دفتر نظارت و ارزیابی در حال پیگیری دو موضوع دیگر نیز هست که یکی از آنها تدوین نظام‌نامه اخلاقی پژوهشگاه است که معمولاً دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های دیگر نیز این نظام‌نامه را دارند و این بند نیز در برنامه راهبردی دیده شده و مورد بعدی ارزیابی درونی گروه‌های پژوهشی است که معمولاً در مؤسسات آموزشی و پژوهشی دنیا برای تضمین کیفیت انجام می‌شود و چند مؤسسه دیگر نیز این کار را انجام دادند. مرکز در نظر دارد بعد از رسیدن به نقطه مطلوب برنامه راهبردی، این دو برنامه را نیز در دستور کار خود قرار دهد. دفتر نظارت و ارزیابی فعالیتهای روتینی هم دارد که شامل گزارش‌گیری‌ها از دفاتر مختلف، ارزیابی عملکردهای سالانه دفاتر و مراکز می‌باشد».

در ادامه دکتر نصیری، از سیدرضا آقایی، به عنوان نماینده اعضای شرکت تعاونی مسکن پژوهشگاه دعوت کرد تا در مورد تعاونی مسکن پژوهشگاه توضیحاتی را ارائه کند.

سیدرضا آقایی بعد از ارائه گزارشی از آغاز فعالیت تعاونی مسکن پژوهشگاه، افزود: «این تعاونی فعالیت خود را از دهه ۱۳۶۰ آغاز کرده و در سال ۱۳۶۵ تأسیس و فعالیت خود را تاکنون ادامه داده است. شرکت تعاونی شامل دو عنصر اساسی است، یکی اعضای تعاونی است که تشکیل‌دهندگان آن هستند و دیگری سرمایه شرکت تعاونی. در مورد تعداد فعالان اعضا تلاش شده تا در این خصوص شفاف‌سازی صورت گیرد و تعاونی اعضای فعال را شناسایی و معرفی کند. در حال حاضر تعاونی مسکن حدود ۴۰۰ عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی دارد که در مورد ساماندهی و تشکیل پرونده‌ها برای اعضای در تلاش هستیم».

وی در ادامه بیشتر در خصوص پروژه‌های در حال پیگیری توسط پژوهشگاه توضیحاتی را ارائه کرد و گفت: «در خصوص بودجه اختصاصی، تعاونی با دشواری‌ها و کمبودهای بسیاری مواجه بوده است که معاون محترم اداری، مالی پژوهشگاه، دکتر ربانی‌زاده مبلغی را در اختیار تعاونی قرار دادند تا بتوانیم به فعالیت و انجام امور تعاونی رسیدگی کنیم. در مورد افزایش سرمایه نیز تلاش‌هایی صورت گرفته تا انشاءالله به تصویب برسد. پروژه‌هایی که شرکت تعاونی در حال بررسی و اقدام در زمینه مالکیت آنها می‌باشد،

پروژه‌های زمین‌ورداورد و همچنین قلهک است. شرکت تعاونی مسکن پژوهشگاه به عنوان خریدار زمین‌ها اعلام آمادگی کرده است که از لحاظ قانونی اولویت مالکیت زمین‌هایی که در تملک پژوهشگاه هستند و در ضمن اجازه فروش آنها را دارند با شرکت تعاونی پژوهشگاه است. پژوهشگاه حدود بیست و چهار هزار متر زمین در ورداورد دارد که در تصرف منطقه ۲۱ شهرداری تهران است که در این خصوص شرکت تعاونی مسکن در حال پیگیری و رسیدن به توافق به منظور خریداری زمین به قیمت منطقه‌ای و با ترک تشریفات مزایده‌ای است».

در ادامه جلسه دکتر نصیری از اعضای خواستند تا دیدگاه‌ها، نقطه‌نظرات و ارزیابی خود را در مورد هفته پژوهشی مطرح و اعلام کنند. در این باره جمعی از اساتید و اعضای محترم هیئت علمی نظرات و دیدگاه‌های خود را عنوان کردند. یکی از اعضا فرمود، در تعیین موضوع و نوع برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در هفته پژوهش بیشتر به موضوعات جاریه پرداخته شد، در صورتی که هفته پژوهش باید فرصتی باشد که خود پژوهش و کارکردهای پژوهشگاه مورد بحث و موضوع قرار می‌گرفتند و صرف‌نظر از اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... باید به نقد و بررسی خود پژوهشگاه و کارهای پژوهشی پرداخته می‌شد تا بتوانیم در آینده به سازماندهی آنها بپردازیم. بهتر بود که پژوهشگاه در هفته پژوهش با موضوعات و زمینه‌های مختلفی مانند نحوه طرح‌های موظفی یا نوع کارهای پژوهشی که پژوهشگران انجام می‌دهند، ارتقاء و یا غلبه یافتن آموزش به انجام امور پژوهشی و همچنین در مورد فسادهای اداری و سیستمی و یا مافیای آموزشی مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گرفت تا در مورد آنها بحث و آسیب‌شناسی می‌شد. دیگر اینکه در هفته پژوهش باید از افراد مختلف با دیدگاه‌های متفاوت دعوت به عمل می‌آمد که با مشارکت جمعی بیشتری سخنرانی کنند و اینطور نباشد که ما فقط یکدیگر را تأیید کنیم بلکه باید در مورد مسائل مختلف یکدیگر را نقد و بررسی کنیم تا بتوانیم به نتایج مطلوبی دست یابیم.

از دیگر مسائل و مشکلات همکاران، دغدغه آنان در خصوص عرضه مسکن و وام‌هایی بود که آنان خواستار برطرف نمودن چنین مسائل و دغدغه‌هایی بودند تا بتوانند بدون هرگونه گرفتاری فکری و معیشتی به امر پژوهش بپردازند. همچنین پژوهشگران خواستار این بودند که

پژوهشگاه، نباید پژوهش‌ها را در قالب مشخص فرو ببرند و دست پژوهشگران باید در این عرصه بیشتر باز گذاشته شود.

سپس دکتر ربانی‌زاده، معاون محترم اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه، توضیحاتی دربارهٔ بودجه‌های اختصاص یافته به پژوهشگاه و مسائل و مشکلات پیش‌رو و همچنین در مورد تعاونی مسکن و زمین وردآورد و مسائلی که پژوهشگاه در زمینه‌های حقوقی با آن

درگیر هست توضیحاتی را به همکاران ارائه کرد و در پایان به سؤالات همکاران در خصوص تعاونی مسکن، صندوق‌های اعتبار و وام‌ها، مسائل رفاهی و تخصیص‌های مالی و همچنین در خصوص وام‌های مسکن و... پاسخ داد.

در ادامه دکتر ملایی توانی، معاون محترم پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، خود به این موضوع پرداخت که به دلیل اینکه پژوهشگاه در آستانهٔ طراحی یک برنامهٔ متفاوت برای فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی است، اعضای ایده‌های خود را در جهت کمک به افزایش بهره‌وری علمی، شکوفا شدن استعداد اعضای هیئت علمی و ایجاد فضای امن پژوهشی، ارتقاء جایگاه علوم انسانی در ایران و منافع جمعی لحاظ، و با ما در میان گذارند تا پژوهشگاه و معاونت پژوهشی بتواند در این زمینه به الگوی مناسبی دست پیدا کنند. ایشان فرمودند اعضای دیدگاه‌های انتقادی خود را به همراه راه حل‌ها انتقال دهند.

وی در ادامه پیرامون مسائل پژوهش، گفت: «پژوهشگاه از همهٔ اعضای انتظار ندارد با هر درجه و

با هر پیشینه و یا با هر توانمندی، یک کار واحد و یک شکل واحد از تولید علم داشته باشند بلکه طبیعتاً شایسته است ما به سمت تنوع و به فعلیت درآوردن استعدادهای اعضا حرکت کنیم و شرایط

امنی ایجاد شود تا اعضا استعدادهای خود را بروز دهند. پژوهشگاه به دنبال تبدیل شدن اعضا به یک مرجع علمی و اشخاص متخصص و صاحب‌نظری است که در یک حوزه‌ای

مرجعیتی پیدا کنند و محل رجوع متخصصین حوزه‌های مختلف باشند. افراد می‌توانند طرح‌ها و پروژه‌های مطالعاتی و فکری خود را در قالب‌های مختلف محقق کنند. مانند طرح پژوهشی، کتاب، نشست، سمینار پژوهشی و...

ملایی در خصوص آزادی عمل اعضا توضیحاتی داد و افزود: «این آزادی در قالب‌های مختلف ممکن است تبعاتی در پی داشته باشد و امکان اینکه در مدیریت پژوهش دچار چالش‌ها و مشکلاتی شویم وجود دارد و پژوهشگاه بایستی همهٔ جوانب کار را در نظر بگیرد تا بعدها بتوانیم بر اساس همهٔ مستندات و شواهد، رویه‌ها و استعدادهای توانایی‌های افراد را در قالب‌ها ببریم و اجازه دهیم که در آن حوزه‌ها فعالیت کنند. ما نمی‌توانیم افراد را براساس توانایی‌ها و توانمندی‌هایشان درجه‌بندی کنیم چون در این صورت با مشکلات بی‌شمار و حتی با مقایسه‌هایی مواجه می‌شویم که باعث می‌شود اعضا در همان جایی که هستند بمانند و امکان گذار به درجات بالاتر برای ایشان فراهم نباشد. ما باید به افزایش بهره‌وری علمی و شکوفایی استعدادهای کمک کنیم

و نایست کارهای پراکنده‌ای انجام دهیم که هیچ بهره و سودی را به دنبال نداشته باشند و هدف این است که در نهایت به یک الگوی واحد و یک مرجعیت تخصصی دست یابیم.

شایسته است به سمت تنوع و به فعلیت درآوردن استعدادهای اعضا حرکت کنیم و شرایط امنی ایجاد شود تا اعضا استعدادهای خود را بروز دهند.



امروز جامعه، بیش از هر زمان دیگری به شادی و امید نیاز دارد

ای بوده است که فقیه و واعظ باشد، گفت: «در همین مقام مولانا بر ضرورت شادی آگاه بوده و شاهد مثال‌های فراوانی در آثار او گویای این مطلب است. این شادی پس از شمس نیز افزون شد. مولانا پیوسته توصیه می‌کند در انتخاب دوست، راه و مکتب و استاد ببینید آیا آنها شما را شاد می‌کند یا غمگین. مبارزه با عقل فلسفی ما را غمگین می‌کند و گوهر عقل خنده است؛ از همین روی در انتخاب درست هر یک از اینها وجود ما شاد می‌شود. البته این سخن بدان معنا نیست که مولانا فارغ از دشواری‌ها و مشکلات زندگی بوده است. شرح حال او نشان می‌دهد که او از زمان کودکی مشکلات و رنج‌های فراوانی را متحمل شده، اما انسان‌های خام با ظفر در امور دنیا به شادی می‌رسند و انسان‌های بزرگ حتی با شکست هم توان کشف شادی وجودی دارند». شهبازی ادامه داد: «سرچشمه‌های شادی مولانا یکی شادی ذاتی و درونی او بوده است. او خود را بدون داوری‌های درست و غلط دیگران پذیرفته بود و این خود شادی‌آفرین است. دیگر عشقی که در وجود او بود. عشق، خود شادی‌آفرین است و در نهایت محقق کردن خود بدون نقاب و سانسور. خود سانسوری در وجود انسان، می‌تواند ریشه غم باشد. در این شرایط در واقع وجود واقعی انسان زیر انبوه نقاب‌ها مدفون می‌شود. درک شادی و غم عمیق و پذیرفتن غم‌های اجتناب‌ناپذیر یکی دیگر از دلایل شادی مولانا است و در نهایت شمس تبریزی عامل دیگر شادی او بوده است. دکتر شهبازی در هر یک از این موارد شاهد مثال‌هایی نیز از آثار مولانا نقل کردند». در ادامه مراسم گروه موسیقی دلنوازان به اجرای موسیقی پرداختند.

پژوهشکده ادبیات فارسی با همکاری معاونت فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت شب عرس، شب درگذشت مولانا جلال‌الدین بلخی، شاعر و عارف نامدار ایرانی، نشستی با عنوان مهمان افلاک برگزار کرد. این نشست با سخنرانی دکتر ایرج شهبازی روز چهارشنبه ۲۸ آذر ماه ۱۳۹۷ در سالن حکمت برگزار



شد. دکتر شهبازی در سخنانی با عنوان «سرشت شادمانه هستی: درنگی در علل شادمانی بی‌پایان مولانا» جامعه امروز را به دلیل شرایط خاص اجتماعی بیش از پیش نیازمند امید و شادی دانست و گفت: «در این ایام، ناامیدی و غم بیش از هر آسیب دیگری مخرب است؛ آزادی، آبادی و جوانمردی مثلی است که علت آن شادی و امید است و نیز خود معلول این هر سه است. پیام آشکار مولانا در اندیشه‌ها و آثارش نیز شادی عمیق است که کمتر حادثه بیرونی توان تأثیر گذاشتن بر آن را دارد».

دکتر شهبازی غم‌های انسان را به چهار دسته تقسیم کرد: «۱. غم‌هایی که به سبب ساختار و طبیعت انسان اجتناب‌ناپذیرند مانند غم مرگ عزیزان، پیری و بیماری و...؛ ۲. رنج‌ها و غم‌های بیهوده و ناپسند مانند جهل، گناه و رذایل اخلاقی. ۳. رنج‌ها و غم‌های والا که عیار انسانیت ماست و هرچقدر بیشتر باشد، ما انسان‌تریم مانند غم کمال، غم عشق و... ۴. غم‌های بیمارگونه مانند افسردگی که نیازمند درمان است. البته ذات برخی انسان‌ها گرایش بیشتری به غم و ذات برخی دیگر به شادی تمایل دارد و اگر آن را از هریک بگیریم دلتنگ می‌شوند». وی ضمن اشاره به اینکه تربیت مولانا به گونه



گفتگوی دکتر مطهری با دختران و پسران انقلاب پیرامون حجاب

می‌تواند روابط جنسی داشته باشد. در حالی که ازدواج در غرب به دلیل روابط جنسی آزاد پیش از آن، آغاز محدودیت بوده و مانند این است که فرد برای خود زندانبان گرفته باشد». این نماینده مجلس اظهار داشت: «از نظر اسلام، روابط جنسی تنها باید در کانون خانواده باشد. بنابراین رعایت نکردن این اصل، باعث سست شدن کانون خانواده در غرب شده و کسی که به داشتن روابط آزاد قبل ازدواج عادت کرده، دیگر نمی‌تواند عادت خود را ترک کند».

وی با بیان اینکه، در اسلام ازدواج و علاقه جنسی یک امر مقدس شمرده شده است، گفت: «ریشه اهمیت حجاب نیز به خاطر اهمیتی است که اسلام برای نظام خانواده قائل شده است. از نظر اسلام، زن و مرد حقوقی متساوی دارند و حتی از نگاه

شهید مطهری، زن‌ها حقوقی بیشتر دارند، اما زن و مرد حقوقی متشابه ندارند و نباید هم داشته باشند، زیرا اساساً خلقت آنها متفاوت است. اسلام برای حفظ ارزش زنان در کنار شکوفایی استعداد آنها، تدابیری دارد که بحث نخست آن درباره پوشش است و دوم، عدم اختلاط تا جایی است که منجر به عسر و حرج نشود. اجتماع باید محیط کار و فعالیت باشد و هرگونه کامیابی جنسی باید منحصر بر کانون خانواده باشد. لذا بنابر نظر اسلام، نباید تحریک جنسی در جامعه وجود داشته باشد».

وی بیان کرد: «اینکه جامعه دائماً تحریک شود و امکان ارضاء هم وجود نداشته باشد، عقده‌های روانی ایجاد می‌کند و بسیاری از جنایتهایی که رخ می‌دهد، ناشی از همین عقده‌هاست. بنابراین نباید جامعه تحریک شود. از این رو، بهداشت روانی، بالارفتن ارزش زن و جلوگیری از ابتذال او، نتیجه تحریک نشدن جامعه است».

مطهری با اشاره به این موضوع که تاریخ سه گونه نقش برای زن قائل شده است، گفت: «نخست

به مناسبت سالروز کشف حجاب، معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نشست «گفتگوی دکتر مطهری با دختران و پسران انقلاب پیرامون حجاب» را در روز ۱۷ دی‌ماه در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار کرد. در این نشست دکتر علی مطهری نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی گفت: اسلام برای حفظ ارزش زنان در کنار شکوفایی استعداد آنها، تدابیری دارد که بحث نخست آن درباره پوشش است و دوم، عدم اختلاط تا جایی است که منجر به عسر و حرج نشود.

مطهری ادامه داد: «مسأله حجاب و پوشش اسلامی، زیرمجموعه بحث حجاب است. دنیای غرب هنوز مسائل خانوادگی، روابط میان زن و مرد و مسائل مربوط به آرامش روانی جوامع خود را حل نکرده است. اما خداوند در سوره نور قرآن کریم

می‌فرماید: این سوره ای است که بر شما نازل کردیم و احکام آن را بر شما واجب کردیم. ولی در اروپا درست برعکس قرآن عمل می‌کنند و نام آن را «آزادی» می‌گذارند».

علی مطهری در ادامه با اشاره به سالروز کشف حجاب، گفت: «۱۷ دی‌ماه، سالروز مبارزه مردم با موضوع کشف حجاب رضاشاه است که اوج این مبارزه در مقابل مسجد گوهرشاد اتفاق افتاد و در نهایت، آن حکومت نتوانست حجاب و پوشش اسلامی در ایران را کنار بزند. رضاشاه بعد از سفر به ترکیه، بخاطر نزدیکی‌ای که با آتاتورک پیدا کرده بود، به این نتیجه رسید که باید برای پیشرفت کشور، با مظاهر دینی مخالفت کند، اما توجه نداشت که در ایران نیرویی به نام «روحانیت» وجود دارد و کار به این سادگی‌ها نیست».

وی افزود: «خداوند در سوره نور می‌فرماید که مسائل مربوط به حجاب امری نیست که ما بخواهیم به شما بگوییم، بلکه در ذات هر فرد است. ازدواج در سیستم اسلامی، در واقع خروج از ممنوعیت و محدودیت قبل از آن است، یعنی فرد به موجب آن



شده است. متأسفانه افراط‌هایی در محیط‌های مختلف بوده و می‌شود که من با آنها موافق نیستم. شرط‌ها و نگاه‌هایی در گزینش‌ها وجود دارد که از اسلام جلوتر هستند».

وی در واکنش به طرح این مسأله که مردان نباید نگاه شهوت‌آلود به زنان داشته باشند، گفت: این خیلی بد است که مردان نسبت به زنان بی‌تفاوت باشند و یکی از فلسفه‌های حجاب این است که جاذبه زن کم نشود. وقتی تمام بدن زنان در معرض دید قرار گیرد، کم‌کم این جاذبه کم می‌شود. اینکه مردان تمایلی به نگاه کردن نداشته باشند، بد است. آنها باید تمایل به نگاه کردن داشته باشند».

وی با بیان اینکه یکی از فلسفه‌های حجاب این است که جاذبه زن برای مرد عادی نشود، گفت: «باید این جاذبه وجود داشته باشد. اینکه گفته می‌شود در آمریکا و اروپا به زن‌ها نگاه نمی‌کنند، پشت‌پرده‌هایی دارد. من خودم در سفری به کانادا خانم‌های نیمه‌عریانی را دیدم که اتفاقاً خیلی هم به آنها نگاه نمی‌کردند. بنابراین برایم سؤالی به وجود آمد که پس فلسفه حجاب چیست؟ موضوع را با یکی از اساتید دانشگاه کانادا در میان گذاشتم که او در پاسخ چنین گفت: نباید به ظاهر جامعه نگاه کنید، باطن جامعه چیز دیگری است».

مطهری در پاسخ به این ادعا که فایده‌های حجاب سنجش‌پذیر نیستند، گفت: «اتفاقاً سنجش‌پذیرند، این حرف که مطرح شد که بی‌حجابی می‌تواند عقده‌های روانی به وجود آورد، مسلم است. این روشن است که رعایت حجاب در جامعه آرامش روانی می‌آورد. اما در عین حال ممکن است پرسیده شود که چرا در غرب که بی‌حجابی هست، عقده‌های روانی نمی‌آورد؟ در پاسخ باید گفت در آنجا در کنار بی‌حجابی، کلوب‌های شبانه تأسیس شده و فرد با مراجعه به آنها خود را ارضا می‌کند. ولی اینکه حجاب آزاد باشد، ولی محل‌هایی برای ارضای افراد نباشد، نمی‌شود».

وی بیان کرد: «باید همه مسائلی را به طور کامل دید. ما یا در نظامی اسلامی زندگی می‌کنیم یا غربی، در غرب وقتی مردم آزاد و عریان بیرون می‌آیند، با ایجاد کاباره و کلوب‌های شبانه، آثار روانی این مسأله را کم کرده‌اند. حجاب ارزش زن را بالا می‌برد و این را حتی مقامات زن اروپایی هم فهمیده‌اند و لباس‌های پوشیده می‌پوشند».

وی در واکنش به این مسأله که خیلی از مردم ایمان ندارند، گفت: «این جور نیست که خیلی از مردم ایمان نداشته باشند، همین امروز هم اگر

دوره «پرده نشینی» زن است که او همانند گوهری گرانبها بود و مرد باید برای بدست آوردنش، تلاش بسیار می‌کرد. دوم، تبدیل شدن زن به شخصیتی کم‌ارزش بود و مرد برای دسترسی به او نیازی به تلاش نداشت، مانند زنان غرب در دنیای امروز. سوم جایی است که زن علاوه بر شخصیت، همانند گوهری باارزش است. این همان نگاه اسلام است، زیرا در اسلام زن هم مانند مرد، استعدادهایی دارد که باید شکوفا شود».

فرزند شهید مطهری در ادامه گفت: «انسان، خواهان نامتناهی در تمامی زمینه‌هاست. در غریزه جنسی نیز چنین است و هیچ نقطه انتهایی ندارد. برای نمونه، خسرو پرویز ۳ هزار زن در حرمسرای خود داشت یا در دوره اسلامی نیز هارون الرشید و دیگرانی بودند که حرم سرا داشتند».

وی با بیان اینکه، اسلام حتی برای نگاه کردن ما هم حکم دارد، گفت: «در اسلام از مردان خواسته شده که نگاه‌های خود را شکسته و خیره نشوند و به زنان نیز می‌گوید؛ چشمان خود را فروبندید و به مردان بی‌گناه خیره نشوید. بیماری برهنگی که امروز در غرب وجود دارد تا ۶۰ سال پیش وجود نداشته و مربوط به دهه‌های بعد از آن به دلیل تأثیرات تبلیغاتی است. بسیاری نیز آن را نقشه صهیونیست‌ها می‌دانند، برای اینکه حکومت خود را در دنیا گسترش دهند».

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در کشور ما آنجایی که گرایش به فرهنگ غرب وجود دارد، گرفتار همین آفت‌ها هستند. برای نمونه آمار طلاق در شمال تهران بیشتر از جنوب آن است».

وی در بخش دیگری از اظهاراتش گفت: «درباره احکامی که جنبه اجتماعی دارند، نمی‌توانیم اجرای آنها را به خود فرد واگذاریم. از این رو، برای نمونه اگر کسی نماز نخواند، ضررش به خودش می‌رسد، اما عدم رعایت حجاب، ضرر به اجتماع می‌زند. ولی سخت‌گیری در چنین الزامی پذیرفته نیست. کما اینکه سخت‌گیری هم وجود ندارد. فلسفه حجاب برای این است که فردی تحریک نشود. در همین رابطه، خیلی از فقها معتقدند که حجاب بر زنان کهنسال واجب نیست».

وی گفت: «لباس پوشیدن نباید به گونه‌ای باشد که منجر به جلب توجه شود. باید کاری صورت گیرد که دانش‌آموزان دختر در محیط‌های جداگانه و در مدارس ویژه خود آزاد باشند و حجاب را در آن محل‌ها الزامی نکنیم. حتی جاهایی را ویژه بانوان ایجاد کنیم که بتوانند آزادانه در آن ورزش و تفریح کنند کما اینکه پارک‌هایی با همین منظور تأسیس

قلمداد شده است، گفت: «امروز اگرچه پدیده‌ای به نام حرمسرا نداریم، اما مردان از طرق دیگری خود را ارضا می‌کنند. یعنی به دلیل روابط آزاد چه در جامعه ما و چه در جوامع غربی حرمسراهای کوچکی دارند. بنابراین تعدد زوجات برای این است که جلوی فساد گرفته شود».

وی افزود: «به دلیل اینکه تعداد زنان آماده ازدواج از مردان آماده ازدواج بیشتر است، لذا برخی مردان که این توانایی را دارند، بهتر است زنان متعددی داشته باشند تا زنان بدون شوهر در جامعه نداشته باشیم، زیرا اگر زنی را که در ۲۵ سالگی شوهر خود را از دست داده الزام کنیم که ازدواج نکند، احتمال بروز فساد در او زیاد است. بنابراین تعدد زوجات تدبیری بوده که اسلام برای حل معضلات اجتماعی به کار بسته و تدبیر بسیار عاقلانه‌ای هم است. منتها اجرایش باید درست باشد، چرا که کسانی که مخالف این موضوع هستند، هیچ راهکاری جز فساد ندارند».

مطهری ادامه داد: «تعدد زوجات برای اداره جامعه امری ضروری است و برای همه جایز نیست، بلکه برای کسانی است که توانایی‌اش را دارند و حدالمقدور باید رضایت همسر اول خود را جلب کرده باشند».

برای حجاب رفراندوم بگذارند، حجاب رای می‌آورد. البته این مسأله فرض است، زیرا کسی در مسائل فکری و ایدئولوژیک و اعتقادی رفراندوم نمی‌گذارد. ولی اگر فرض کنیم، در همان رفراندوم بخشی از خانم‌های بی‌حجاب یا بدحجاب به حجاب رای می‌دهند، زیرا می‌دانند بی‌حجابی چه آثاری دارد و بخشی از آنها دوره شاه را تجربه کردند».

این نماینده مجلس در ادامه در پاسخ به این سؤال که چرا حجاب در ایران تنها در مصادیق اجباری است، گفت: «به نظر من اجباری در اصل مسأله حجاب به معنای واقعی کلمه در کشور ما وجود ندارد. چرا یک زمانی هست که از همه خانم‌ها خواسته می‌شود که چادر سر کنند و روبنده بپندازند، بله در آنجا می‌توان گفت که اجبار وجود دارد. اما امروز در شکل حجاب، اجباری وجود ندارد. هرچند ممکن است در اداره یا دانشگاهی، بخشنامه خاصی وجود داشته باشد که این اشکالی ندارد. ما حتی دیگر الان گشت ارشاد بدان شکل سابق نداریم».

وی اظهار کرد: «خداوند زن را خودنما و مرد را چشم چران آفریده، در نتیجه تحریک شدن مردان بسیار خوب است. خداوند انسان را این‌گونه آفریده و سرکش‌ترین غریزه، غریزه جنسی است».

وی در پاسخ به سؤال مبنی بر اینکه اگر روابط آزاد در اسلام نیست، اما به جایش تعدد زوجات مجاز



ما و مدرنیته؛ بررسی بنیان نظری کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم»

پدیدارشدن آگاهی معاصر ما در نسبت با مدرنیته یا همان جهان مدرن تبیین شده در فلسفه مدرن را بهتر شناخت و پس از آن است که چگونگی فهم جهان مدرن در آگاهی معاصر ایران بیشتر آشکار می‌شود. دکتر رجبی گفت: «سرفصل‌های سخنرانی در

نخستین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی «ما و مدرنیته» روز ۲۴ دی ماه ۱۳۹۷ به بررسی بنیان نظری کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» مرحوم علامه بزرگ سید محمدحسین طباطبایی اختصاص یافت و دکتر مزدک رجبی به ارائه سخنرانی پرداخت.



نخستین نشست چنین است: (۱) سوپژکتیویته همانا خودبنیادی آگاهی است و رخداد ویژه ایست که در جهان مدرن رخ داد و به سخن شایسته باید گفت جهان مدرن خودآشکارگی خودبنیادی آگاهی است. (۲) مقاله نخست کتاب مابعدالطبیعه را مانند سایر علوم در تحول نمی‌بینند و این آشکارگی عدم فهم عقل تاریخی است. (۳) در همان مقاله نخست نسبت فلسفه و علوم آشکار می‌شود که همانا فلسفه موظف به اثبات وجود موضوعاتی است که در علوم از آنها بحث می‌شود. این نگاه ارسطویی است و هنوز درکی از فلسفه مدرن که بازتاب جهان مدرن است در آن دیده نمی‌شود. (۳) کتاب سوفسطی را کسی می‌داند که نمی‌تواند وجود جهان خارج را اثبات کند و در برابر فیلسوف قرار می‌گیرد که جهان خارج از ذهن را با آگاهی فطری می‌پذیرد و همه دانش را بر آن بنیاد می‌کند. اینجا هم کتاب فکر فلسفی را تاریخی نمی‌بیند و آن را امری ایستا و ثابت تصور می‌کند، حال آنکه جهان مدرن و بازتابش در فلسفه مدرن در پویایی و تحول بنیاد شده است. (۴) کتاب انتقاد را در فهم مدرنش یعنی نقد (critique) نمی‌فهمد و آن را با و در جدایی ذهن و جهان خارج می‌بیند،

در این نشست، بنیان دیدگاه نویسنده کتاب در نسبت با بنیان فلسفه مدرن و جهان مدرن ارائه شد تا آشکار شود که در یکی از کلیدی‌ترین و مهم‌ترین کتب فلسفی معاصر ایران چگونه فلسفه و جهان مدرن دیده شده است. سخنران نشست تلقی ویژه‌ای از فلسفه و جهان مدرن ارائه داد و بر بنیاد آن تلقی فهم کتاب از فلسفه و جهان مدرن را به نظاره نشست تا آشکار شود یکی از نقاط مبهم و گره باز نشده ما در نسبت با جهان معاصر عدم فهم خودبنیادی آگاهی (سوپژکتیویته) و حرکت در آگاهی است و بدون درک آن نمی‌توان با جهان مدرن نسبتی ذاتی و درونی برقرار کرد، زیرا صرفنظر از هرگونه داوری ارزشی منطبق تحول و حرکت همچنان موتور آگاهی جهان معاصر را به پیش می‌راند و مرزهای آینده نیز با این منطق قابل درک و مشارکت است. جدایی ذهن و عین یا مفارقت جهان ذهن از جهان خارج آغاز و بنیان کتاب است که بر همین بنیان ایدئالیسم و دیالکتیک فهمیده و نقد می‌شود و دقیقاً از همین بنیان است که آگاهی معاصر ما در وجهی گرفتار سوء تفاهمی مهم و حیاتی است. با تمرکز بر این آغاز می‌توان دست کم وجهی از چگونگی

حال آنکه جهان مدرن با فلسفه کانت به نقد یعنی پدیدارگی شرایط استعلایی جهان پدیداری و سپس با فلسفه هگل قرارداد آن شرایط در تاریخ عقلانیت و یگانگی جهان پدیداری و جهان اخلاقی کانتی در خردی یگانه است که در آن سوژه و ابژه یکی می‌شود. (۵) وحدت مصرح در کتاب وحدتی

است پیشین که ارسطویی است و علوم را با بنیاد مابعدالطبیعه با هم یگانه و متصل نگاه می‌دارد، حال آنکه وحدت علوم در جهان مدرن وحدتی در فرجام کار است که با مطلق هگلی ممکن است البته پیشاپیش. هر چند پس از هگل و ویژه در سده بیستم تا کنون با

تحولاتی که در جهان مدرن رخ داده وحدت مذکور گسسته شده و آگاهی معاصر چنین وحدتی را تجربه نمی‌کند. (۶) برابر نهادن ایدئالیسم و رئالیسم درک بهنگامی است که در کتاب آشکار شده، زیرا بنیان جهان مدرن ایدئالیسم است. از دکارت به این سو آگاهی و فهم در ریخت علمی با ایدئالیسم تکوین یافته و در حتی ماتریالیستی‌ترین پدیدارگی فهم علمی نیز ایدئالیسم جهان مردن حضور دارد. ولی نابهنگامی نگاه کتاب در عدم درک ذات ایدئالیسم جهان مدرن است، آنجا که در مقاله دوم ایدئالیسم

را سفسطه و شکاکیت رادیکال عدم پذیرش جهان خارج می‌داند. ایدئالیسم تبیین شده در فلسفه مدرن تنها در برکلی و شوپنهاور نیست بلکه کامل‌ترین و منسجم‌ترین بیانش در فلسفه هگل است که آخرین ایستگاه فلسفه مدرن نیز هست، و ضرورتاً پس از آن با نقد رادیکال و گسست از

فلسفه مدرن رویاروییم. کتاب عینیت (objectivity) تبیین شده در فلسفه کانت و سپس هگل را درک نکرده زیرا این عینیت با سوژکتیویته یکی و این همان می‌شود، حال آنکه نگاه ارسطویی کتاب همچنان عینیت را در صورت‌هایی ذهنی می‌یابد که از خود اعیان یا جهان خارج مفارقتند.

درک کتاب حرکت در وجود را می‌فهمد ولی حرکت در فکر را نفی می‌کند، و این همان آغازین گام جهان مدرن است که در فلسفه مدرن از دکارت تا هگل با سطوح ذومراتب و به هم پیوسته‌ای بیان شده و فکر و هستی را با هم اینهمان و متحول و روبه پیشرفت می‌بیند.

رجبی در خاتمه یادآور شد: «این نشست آغازی برای طی طریقی است که غایتش بررسی نسبت ما و جهان مدرن در آگاهی معاصر ایران است و امیدوارم در نشست‌های بعدی گام‌های دیگری از این راه نرفته طی شود».

جدایی ذهن و عین یا مفارقت جهان ذهن از جهان خارج آغاز و بنیان این کتاب است که بر همین بنیان ایدئالیسم و دیالکتیک فهمیده و نقد می‌شود.



مکرون مزایای رفاهی و قدرت خرید مردم فرانسه را کم کرد

کرد. رؤسای جمهوری قبلی فرانسه، هر یک، در صدد برآمدند تا با اتخاذ تدابیری مانند کاهش هزینه‌های عمومی، اصلاح مزایای رفاهی، افزایش مالیات‌ها بر این مشکلات

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل، روز سه‌شنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۹۷ نشستی با عنوان «جنبش جلیقه زردها در فرانسه: دلایل و ریشه‌ها» برگزار کرد.



فائق آیند. اما در بسیاری موارد، این تدابیر با نظام بازنشستگی، کاهش مقاومت مردم و کارگران روبرو شد و دولت‌ها مجبور به عقب‌نشینی از مواضع خود شدند. گفتنی است که فرانسه کشوری است که از سابقه انقلابی طولانی برخوردار و سنت جنبش‌های اجتماعی در آن ریشه‌دار است.»

ایزدی افزود: «با روی کار آمدن مکرون در فرانسه، او تلاش کرد با اتخاذ سیاست‌های نولیبرالی و رونق بخشیدن به اقتصاد فرانسه بر مشکلات فوق‌الذکر فائق آید، از جمله اینکه اصلاحاتی در قانون کار برای منعطف‌تر کردن آنها و باز گذاشتن دست کارفرمایان برای اخراج کارگران به عمل آورد، مالیات بر ثروت را حذف کرد، مالیات ارزش افزوده را افزایش داد و از برخی مزایای رفاهی مردم کاست. استدلال او این بود که با این سیاست‌ها می‌توان از طریق تشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و کاهش هزینه‌ها برای آنها به اقتصاد فرانسه رونق بخشید و آن را رقابتی‌تر کرد، امری که در نهایت به کاهش بیکاری منجر شده و کارگران از آن منتفع خواهند شد. اما این سیاست‌های نولیبرالی سبب شد تا قدرت خرید مردم

دکتر پیروز ایزدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات راهبردی و سخنران این نشست درباره جنبشی که اخیراً در فرانسه با عنوان «جلیقه زردها» به راه افتاده است، گفت: «هر چند جریقه اولیه‌اش با افزایش مالیات بر سوخت زده شد، اما از ریشه‌های عمیق‌تری برخوردار است. حدود سه دهه است که فرانسه با مشکلات مزمن اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند که وجه بارز آن بالا بودن نرخ بیکاری، کسر بودجه بالا و پائین آمدن قدرت خرید مردم بوده است. دولت‌های متوالی، از جناح راست و چپ میانه هیچ یک طی این دوره نتوانسته‌اند از پس حل این مشکلات برآیند. از این رو، در اعتماد مردم به نخبگان سیاسی خدشه وارد شده است و احزاب سنتی بی‌اعتبار شده‌اند. انتخابات ریاست جمهوری در ۲۰۱۷ به خوبی این امر را نشان داد. در دور نخست این انتخابات، احزاب راست و چپ افراطی موفق به کسب حدود ۴۰ درصد از آرا شدند و در دور دوم، خانم مارین لوپن از حزب دست راستی افراطی «جبهه ملی» موفق شد حدود ۳۳ درصد آرا را کسب کند. حتی امانوئل مکرون که پیروز این انتخابات بود، خود را یک چهره فراجناحی معرفی

کاهش یابد و بار سنگین مالیات‌ها بر دوش آنها بیافتد. تداوم این شرایط باعث شد تا امید مردم فرانسه به بهبود اوضاع اقتصادی کشور نقش بر آب شود و بی‌اعتمادی مردم به نخبگان سیاسی به نفرت از آنان تبدیل شود تا آنجا که شرکت کنندگان در تظاهرات خواستار برکناری مکرون شدند. این بار گسترش دامنه اعتراضات تا آن اندازه دامنه دار شد و بر گستره مطالبات تظاهرات کنندگان افزوده شد به گونه‌ای که مکرون که در موارد قبلی از سیاست‌های خود عدول نکرده بود، مجبور به تسلیم شد و

نه تنها مالیات بر سوخت را لغو کرد، حداقل دستمزد را به میزان ۱۰۰ یورو افزایش داد، بازنشستگانی را که کمتر از ۲۰۰۰ یورو دریافت می‌کنند، از پرداخت مالیات معاف کرد، و مالیات بر اضافه کار را حذف

کرد».

وی در خاتمه گفت: «از وجوه متمایز این اعتراضات، خودجوش بودن آنهاست. این جنبش فاقد رهبری است و عمدتاً از طریق

شبکه‌های اجتماعی هدایت می‌شود. از این رو، احزاب مخالف و اتحادیه‌های کارگری هیچ گونه نفوذی بر آن نداشتند و تنها تلاش کردند بر موج آن سوار شوند. این گونه جنبش‌ها که در قرن ۲۱ رواج زیادی یافته اند، دچار آسیب‌هایی نیز هستند از جمله اینکه نماینده‌ای واحد برای انجام گفتگو و مذاکره ندارند، شرکت‌کنندگان در آن همگن نیستند و

مطالباتشان متفاوت است و پتانسیل بروز خشونت در آن زیاد است، امری که می‌تواند حمایت از آن را کاهش دهد. با توجه به اینکه خشم مردم فرانسه به ویژه طبقات پائین و متوسط از وضعیت جاری و نخبگان سیاسی همچنان به قوت خود باقی است، پیش‌بینی می‌شود که این گونه جنبش‌ها در فرانسه در فرصت‌های مناسب مجدداً سر باز کنند».

مکرون با روی کار آمدن در فرانسه، تلاش کرد با اتخاذ سیاست‌های نولیبرالی و رونق بخشیدن به اقتصاد فرانسه بر مشکلات فوق‌الذکر فائق آید، اصلاحاتی در قانون کار برای منعطف‌تر کردن آنها و باز گذاشتن دست کارفرمایان برای اخراج کارگران به عمل آورد، مالیات بر ثروت را حذف کرد، مالیات ارزش افزوده را افزایش داد و از برخی مزایای رفاهی مردم کاست.



مروری بر ترجمه‌های عربی از شاهنامه فردوسی و رباعیات خیام

شاهنامه پژوهی اهمیت و ارزش دارد؛ نخست اینکه نسخه مبنای این ترجمه، از قدیمی ترین نسخه های موجود مصحح شاهنامه (نسخه فلورانس و

دومین نشست از سلسله نشست ها با موضوع «اندیشه‌ورزان ایرانی در جهان عرب» با سخنرانی دکتر محمدرضا موحدی، عضو هیأت



علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، روز شنبه ۸ دی ماه در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار شد. این نشست تخصصی که در ادامه نشست نخست (درباره مولانا در جهان عرب) برگزار می‌شد، به موضوع: «دو حکیم ایرانی، فردوسی و خیام و ترجمه‌های عربی از آثارشان» اختصاص داشت. سخنرانی به لحاظ موضوع سخن، به دو بخش تقسیم شد. در بخش اول، پیرامون فردوسی و نخستین ترجمه‌ها از شاهنامه او ایراد مطلب شد؛ با این تلخیص: بنا بر گزارشی که جمال الدین قفطی از کتاب «المحمدون من الشعراء و اشعارهم» اثر اثیرالملک نیشابوری ارائه داده، می‌توان گفت که در قرن پنجم و ششم هجری، ترجمه یا ترجمه‌هایی از شاهنامه به عربی تولید شده است که متأسفانه نشانی از آنها به دست ما نرسیده است. اما نخستین ترجمه موجود از شاهنامه، اثر مشهور فتح بن علی بنداری اصفهانی است که به سال ۶۲۰ نگارش یافته و احتمالاً نسخه ۴۰۲ مبنای آن بوده است. این ترجمه از دو حیث برای

نسخه لندن) نیز قدیمی تر بوده است؛ و دیگر کمکی است که این ترجمه در ارائه معنای محصل و نزدیکتر به اصل متن به ما عرضه می‌کند. سخن از ارزش این ترجمه، به شیوه تصحیح این اثر توسط عبدالوهاب عزّام استاد برجسته مصری کشیده شد که مواردی از افزودنی‌ها و نیز سقطات این ترجمه آزاد را در مقدمه خود یادآور شده است. پس از دکتر عزّام، نسل استادان پس از وی نیز در این حیطه، ترجمه‌ها و پژوهش‌هایی داشته‌اند؛ از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «دراسات فی الشاهنامه» از طه ندا؛ «القصة فی الأدب الفارسی و جوله فی الشاهنامه» اثر امین عبد الحمید بدوی؛ «الشاهنامه، ملحمه الفرس الکبری» از سمیر مالطی؛ و «ملاحم و اساطیر خالده: جلامش- الشاهنامه»، از کامل مجدی اشاره کرد. در پایان این بخش از سخن، مطالبی نیز در این باره که چرا نفوذ شاهنامه در میان ادیبان عرب، نسبت به سایر متون ادب فارسی، کمتر بوده، مطرح شد که از آن میان می‌توان به عدم درک صحیح از روح حماسه ملی و نیز گونه‌ای عرب ستیزی در شاهنامه، یاد

پس از او باید از ترجمه ودیع البستانی یاد کرد که ترجمه منظوم وی را مهم‌ترین ترجمه عربی از این رباعیات دانسته‌اند. پس از ودیع بستانی، برگردان زیبایی که محمد سباعی انجام داد، مسیر را هموارتر ساخت تا ناموران دیگری همچون مصطفی وهبی التل و صافی نجفی همین مسیر را بپیمایند.

غیر از ترجمه‌های مع الواسطه از خیام، اندک اندک کسانی یافت شدند که با آشنایی به زبان فارسی توانستند متن فارسی رباعیات را مستقیماً از فارسی به عربی برگردانند. نخستین این تجربه‌ها از آن احمد رامی بود که در روزگار او بسیار موفقیت‌آمیز تلقی شد و سبب شد تا بزرگ بانوی موسیقی عربی، اجراهایی شکوهمند

و تاریخی بر اساس این ترجمه‌ها ارائه دهد. پس از احمد رامی، موج گرایش به خیام در جهان عرب فزونی گرفت و اندکی بعد ترجمه پردقت و متعهد به متنی توسط احمد حامد صراف به ادبیات عرب عرضه شد.

در پایان این بخش دو نمونه از ترجمه‌های عربی احمد رامی قرائت و با اصل فارسی آن مقابله شد تا مخاطب فارسی زبان سطح اشتراک و افتراق معنایی میان رباعیات ترجمه شده و اصل آن را دریابد.

بخش نهایی نشست نیز به پرسش و پاسخ حاضران دربارهٔ مطالب ارائه شده اختصاص یافت. همچنین یادآوری شد که در نشست بعدی با همان عنوان کلی، ترجمه‌های عربی از آثار سعدی و حافظ شیرازی بررسی خواهد شد.

تا سال ۱۹۸۷ میلادی تعداد ۵۶ ترجمه از رباعیات خیام به ثبت رسیده که ۳۳ مورد آنها منظوم و باقی منثور بوده است.

کرد. بخش دوم این نشست، به جایگاه رفیع خیام در ادبیات جهان و نیز ادبیات عرب اختصاص یافت. پس از مقدمه‌ای کوتاه دکتر موحدی در بارهٔ ترجمه های اروپاییان از خیام، از تاثیر پذیری ادیبان عرب از این ترجمه ها سخن گفت و به نقل از دکتر یوسف

حسین بکار در کتاب «الترجمات العربیه لرباعیات الخیام» مطرح کرد که تا سال ۱۹۸۷ م تعداد ۵۶ ترجمه از رباعیات خیام به ثبت رسیده که ۳۳ مورد آنها منظوم و باقی منثور بوده است. البته این ترجمه‌های متعهد و گاه آزاد از رباعیات خیام، با صرف نظر از تاثیرپذیری‌های محتوایی

با مضامین خیامی است که میان برخی شاعران عرب رواج یافت؛ از مشهورترین این شاعران می‌توان از شاعر عراقی «جمیل صدقی زهاوی» و شاعر مهجر «ایلیا ابوماضی» نام برد.

می‌دانیم که اکثر ترجمه‌های صورت گرفته، نه بر اساس متن فارسی که بر مبنای ترجمه‌های انگلیسی (بویژه ترجمه فیتز جرالده) و فرانسوی بوده است. نخستین ترجمه از بخشی از رباعیات، به نام استاد احمد حافظ عوض؛ ادیب و روزنامه نگار ثبت شده که در «المجله‌المصریه» در سال ۱۹۰۱ ذیل مقاله‌ای تحت عنوان «شعراء الفرس» به چاپ رسید.



نگاه مردم به قدرت سیاسی در ایران

حسنى فر افزود: «تقسیم‌بندی از لحاظ تاریخی بین جایگاه مردم در دوران قدیم و جایگاه مردم در دوران جدید می‌توان طرح کرد. در دوران قدیم جایگاه مردم حمایتی بود یعنی حمایت مردم در اموری مانند جنگ که حکومت حمایت می‌کرد. از طرفی دیگر اندیشه رعیتی و رعایت شدن که در واقع در نوع تفکر دوران قدیم قابل طرح است، عموم مردم باید رعایت می‌شدند چون رعیت حاکم بودند، اگر هم دیدگاهی نسبت به تعامل یا نسبت مردم با حکومت مطرح

می‌شد که در متون اندرزنانه‌ای آمده است، یا آرمانی بود، یا مبتنی بر قانون و شریعت و مذهب. تذکره‌هایی فردی می‌دادند و در قالب پند و اندرز یا مبتنی بر اصل عدالت و نسبت با حوزه قدرتمندی که حاکم بود، مردم دیدگاهی را مطرح می‌کردند. به عبارت دیگر مردم در حوزه

سیاست دخالت مستقیم نداشتند مگر اینکه پشتوانه یک قومی می‌شدند و آن قوم حاکم می‌شد و هیئت حاکمه سیستمی مردم سالار و مردم‌گرا بود و هویت‌هایی که در جامعه مطرح می‌شد بطور عموم هویت‌های طایفگی و قبیله‌ای بود. به طور کلی می‌شود گفت، جایگاه مردم در زمان قدیم یا در اندیشه کلاسیک در نسبت با سیاست است. در دوران جدید مشارکت سیاسی و اندیشه دموکراسی مطرح می‌شود موضوع مطبوعات، احزاب و رسانه‌ها و اصل برابری و اندیشه مهم به نام حکومت مشروطه و بحث قانون اساسی و غیره اهمیت می‌یابد. یکسری گزاره‌هایی در خصوص نگاه مردم به قدرت سیاسی مطرح است؛ یکی بی‌اعتمادی مردم به حکومت‌ها در طول تاریخ داشته‌اند و هنوز هم وجود دارد، یا احساس می‌شود که در عین حالی که حکومت مشروطه

پژوهشکده علوم تاریخی یازدهم دی ماه ۱۳۹۷ سومین نشست از سلسله نشست‌های «نگاه مردم به قدرت سیاسی در ایران» را برگزار کرد. در ابتدای نشست دکتر عبدالرحمان حسنی‌فر، رئیس پژوهشکده علوم تاریخی با اشاره به ضرورت برگزاری چنین نشست‌هایی، توضیح داد: «قلمرویی که مرتبط با نیاز اکنون جامعه ایرانی در حوزه تاریخ و سیاست است آنکه ما باید به مسائل جامعه، نگاه تاریخی داشته باشیم و عموم کسانی

که در واکاوی مسائل تاریخ معاصر ایران صاحب نظر هستند، بیشترین سهم تأثیرگذاری را در حوزه سیاست می‌دانند. موضوع اول در این سلسله نشست‌ها، نگاه مردم به قدرت سیاسی در ایران است. موضوعات دیگری مانند ساختار حکومت، امنیت، اعتماد، احزاب اجتماعی هم در سلسله نشست‌ها خواهد بود. گام اول آسیب‌شناسی، مسئله‌یابی و ارائه راهکار است. بسیاری معتقد هستند که علم با نگاه



به مشکلات و نواقص هست که کارش را شروع می‌کند. مرحله بعدی مسئله‌یابی و در نهایت ارائه راهکار است. در موضوع نگاه مردم به قدرت سیاسی در ایران، سه مفهوم در آن برجسته است: یک نگاه مردم، دیگر قدرت سیاسی و کشور ایران است. نگاه که می‌گوییم منظور نظراتی است که ممکن است از جانب مردم ابراز شده باشد یا رفتار و عملکردشان نشانگر این فعل یا کنش هست، یا بحثی که تحت عنوان ناخودآگاهی ایرانی است. عموم مردم یا توده یا فعالان سیاسی یا نخبگان اجتماعی، قدرت سیاسی که مد نظر است منظور ساختار سیاسی و حاکمان و حکومت کارگزاران و مدیران نهادها و سازمان‌ها، برنامه‌ها فعالیت‌ها و اقدامات به طور عام را می‌شود از نگاه مردم به قدرت سیاسی با تمرکز بر ایران معاصر در قالب سخنرانی در دوره‌های تاریخی در نظر گرفت.»

اگر بخواهیم راهکاری را هم مطرح کنیم گسترش نظارت مردم یکی از راهکارهاست، باید راهکار نظارت مردمی و ساز و کارهایش را تقویت کنیم. گسترش رسانه‌های عمومی، آزادی فعالیت سیاسی حزبی و مردمی کردن احزاب، اصلاح قوانین، اهمیت دادن به افکار عمومی و نهادینه کردن راه‌های بهره‌گیری از آن چرخش نخبگان و طراحی سازوکار در این زمینه، گسترش نظارت مردمی و کارآمدسازی نظام انتخابات اجرای قوانین و نظارت بر اجرای درست آنها، کارآمدسازی نظام قضاییه و روزآمد سازی نظام مدیریتی و... استفاده از ظرفیت سازی همه ایرانیان از جمله راهکارهایی است که می‌شود در این زمینه مطرح کرد.

در ادامه نشست دکتر فیاض زاهد سخنان خود را آغاز کرد و گفت: «بعد از ورود اسلام در دوره سلاجقه و خوارزمشاهیان شهروندان ساکن درون شهرها و دیوان سالاران نقش بازیابی را ایفا کردند. با حمله مغول آثار وحشتناکی باقی ماند و در دوره صفویه تا پهلوی باز با تفکر ایلی قبیلگی ساختار ایران دوام یافت. پس از انقلاب، نظام ظالم مستبد فردی که حاصل دوره محمد رضا پهلوی بود با یک انقلاب باشکوه به یک نظام سیاسی تبدیل شد. خواسته یا ناخواسته آن کاری که اسلام با ایران کرد انقلاب دوباره با ایران کرد یعنی چه؟ آن این است که انقلاب اسلامی نظام هزار فامیل را از بین برد طبقات مستقر را هم نابود کرد و تلاش کرد طبقات جدیدی بسازد.»

وی در این خصوص به دو مشکل اشاره کرد

حکومت قانون بود از جانب متولیان حکومت یا خود مردم موضوع قانون‌گریزی و عدم رعایت قانون را داریم نگاهی که مردم به حوزه حکومت دارند اینکه به یک معنا از موقعیت‌های سیاسی اجتماعی ممکن است از جانب برخی متولیان از جایگاه سیاسی و اجتماعی سوءاستفاده کنند. یکی دیگر آنکه در جامعه پارتی بازی زیاد است و ارتباطات منشاء ارتقاء اجتماعی است و اگر بخواهیم هدفی را دنبال کنیم باید ارتباطات قوی داشته باشیم، بحث فساد و رشوه در سیستم سیاسی اجتماعی و اینکه در حوزه مدیریت و سیاستگذاری منافع عمومی و مصالح عمومی دنبال نمی‌شود و آن شاخص ملی‌گرایی که به عنوان یک اندیشه در تاریخ معاصر ما مطرح شده، ملی‌گرایی و عمومی کردن منافع عمومی دنبال نمی‌شود. دیگر آنکه رویکرد تقابل با حکومت از جانب مردم همیشه وجود داشته و اینکه مردم حکومت را معتمد خودشان نمی‌دانند و نگاه غارتگریانه نسبت به اموال عمومی وجود دارد یا به نخبگان توجه نمی‌شود، بحث این است که قدرت سیاسی غیرمشارکتی دیده می‌شود. اینکه رویکرد ترس یا بی‌خیالی یا فرار و بی‌توجهی وجود دارد. به هر حال اشکالاتی که در این حوزه وجود دارد قابل طرح هست مدیریت اقتضایی است نه انباشتی، تجربی، مبتنی بر تجربیات تاریخی.

وی تصریح کرد: این فهرست می‌تواند خیلی بلند بالا باشد، اما مسأله مهم از دید من به عنوان کسی که در این زمینه تأملاتی به تاریخ معاصر داشته، مسئله‌ی مشارکت سیاسی اجتماعی است.



این خیلی مهم است یعنی هر کدام از حاکمان که به قدرت می‌رسند حتی رئیس یک شرکت یا کارخانه هم علاقمند است چرخ را از نو بسازد. فردا شهردار تهران را عوض می‌کنند دوست دارد از اول چرخ را اختراع کند ما هیچ وقت نسبت به انباشت تجربه های تاریخی و مدیریتی مان تن نداده ایم. نکته سوم: نگرش شهری در ایران دچار اضمحلال شده است و نگرش در واقع دهاتی محوری نه روستا نشینی، یعنی نگرش محدودنگر چیزی که مارکس از آن به نوعی محافظه کاری حقیرانه یاد کرده است، یعنی به جای اینکه نگاه بلند داشته باشد دنبال این است که هر چیزی که دوروبرش است را توی جیبش بیاندازد و ببرد».

دکتر فیاض زاهد در خاتمه سخنانش گفت: «مشکل ما در سه حوزه بی‌اعتمادی، ناامیدی و ناکارآمدی است و راه حل، آن چیزهایی است که به دلایلی که ما در گذشته از پس مشکلات تاریخی برآمدیم به همان دلیل هم بتوانیم با میراث کهن و غلبه بر برخی از این مشکلات بریباییم. ما باید این رهبری امید آفرین را، این چیزی که به نظر من بزرگ‌ترین کاری است که در کشور می‌خواهیم به انجام برسانیم این است که به مردم بگوییم امیدوار باشند، چرا که اگر امید در ایران به سیاهی بگراید کار ما به طور کامل تمام خواهد شد».

در پایان نشست حاضران پرسش‌های خود را مطرح کردند.

و گفت: «اول اینکه ما فرآیند ساخت طبقه را در ایران نداشتیم. پیژامه را که ما می‌پوشیم اینها از یک خانواده و طبقه بزرگ در فرانسه هستند که هفتصد سال است لباس تولید می‌کنند. مسئله تحلیل قدرت از نظر اجتماعی مهم است یعنی قدرت در این کشور از آن جایی که حس ملی و وطنی را تضعیف کرد به هزار و یک دلیل، در دوران جنگ خانم‌ها طلاهایشان را به جبهه دادند مردان هم خودشان و بچه‌هایشان را روانه کردند و همین جامعه وقتی دولت منتخب مقبول مردم ازش پرسید، یارانه‌ها را حاضرید حذف کنید چند درصد گفتند نه؟ هشتاد و خورده‌ای درصد گفتند نه، ما می‌خواهیم. دو ماه بعد در سوئیس در نظر سنجی مردم سوئیس گفتند نه ما دوهزار و دویست یورو را نمی‌خواهیم. چرا این جامعه اینگونه می‌شود برای اینکه حس ملی وجود ندارد، ما هنوز این مشکلات را داریم یعنی آن کس که ترک هست الان در قدرت سیاسی در ایران تلاش می‌کند که از هم نژاد و هم‌شهری‌های خودش مراقبت کند، آن کسی که لر است تلاش می‌کند که همه زاگرس‌نشین‌ها را حمایت کند آن کس که عرب است تلاش می‌کند که همین کار را بکند، این خطرناک است. یعنی فرد تبریزی آن حسی که باید به هموطن رشتی‌اش داشته باشد ندارد، چرا؟

نکته دوم اینکه ما فقدان تداوم تاریخی داریم



ادبیات و محیط زیست

نشست تخصصی «ادبیات و محیط زیست» به همت پژوهشکده زبان و ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز یکشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۹۷ به دبیری دکتر مریم شریفنسب در سالن اندیشه برگزار شد.

نخستین سخنران این نشست، دکتر فریدون عموزاده خلیلی، در باب «داستان‌های محیط زیستی؛ رویکرد سوم» سخن گفت. عموزاده داستان‌های فارسی موجود در حیطه محیط‌زیست را به سه دسته تقسیم کرد: نخست داستان‌هایی که با دغدغه‌ای غیرمحیط‌زیستی و فقط در پس‌زمینه‌ای از محیط‌زیست شکل می‌گیرند (مثلاً داستان در لوکیشنی طبیعی رخ

می‌دهد و یا یک گونه در معرض انقراض گیاهی یا جانوری، دستمایه حوادث داستان می‌شود). دسته دوم داستان‌هایی هستند با اطلاعات غنی از دانش محیط‌زیستی که با ساده‌ترین و غیرحرفه‌ای‌ترین شکل روایت می‌شوند. این داستان‌ها عموماً به دست متخصصان محیط‌زیست و به سفارش سازمان

محیط‌زیست و شهرداری‌ها نوشته می‌شوند و از کفایت ادبی لازم برخوردار نیستند. دسته سوم - که مورد بحث عموزاده در این نشست بود - داستان‌هایی است که از تلفیق هنرمندانه دانش زیست‌محیطی و خلاقیت‌های داستان‌نویسی بهره‌مند است. عموزاده در ادامه از تجربه موفق انتشارات فنی (کتاب‌های نردبان) در تشکیل کارگروه‌های

تخصصی متشکل از نویسندگان کودک، تصویرگران کتاب کودک و متخصصان محیط زیست سخن گفت که منجر به خلق کتاب‌های جذاب برای

مخاطبان کودک و نوجوان برای انتقال دغدغه محافظت از محیط‌زیست شده است.

سخنران دوم نشست، دکتر زهرا پارساپور در باب «دغدغه آب در سفرنامه ناصر خسرو» سخنرانی کرد. وی با توضیحی مختصر درباره دغدغه‌های نقد

بومگرا، اظهار داشت: اغلب

متون ادب کهن فارسی - و از

جمله سفرنامه ناصر خسرو -

را می‌توان با دغدغه‌های

زیست‌محیطی مورد

خوانش قرار داد. دغدغه

آب شرب، مدیریت‌کردن

آب باران، آب‌های سرگردان

روی زمین (سیلاب‌ها و

نهرها) و آب‌های زیرزمینی

(چاه‌ها و چشمه‌ها) و...

در تمام طول سفرنامه

ناصر خسرو به شکلی بارز

به چشم می‌آید. به

باور پارساپور در سفرنامه

ناصر خسرو سه دغدغه بیش از سایر موارد چشمگیر

است: دغدغه آب، دغدغه امنیت و دغدغه معیشت

و اقتصاد. در سرزمین خشکسال و کم‌آب ایران،

این موارد همواره حائز اهمیت فراوان بوده است؛

قنات‌ها، چاه‌ها و آبراه‌ها؛ دانش آب‌شناسی، چرخ

چاه، آسیاب‌ها و چرخاب‌ها؛ توجه به نظافت

آب‌ها؛ توجه به نحوه توزیع

آب‌ها. به همین سبب

ناصر خسرو در شهرها و

منطقه‌های مختلف با ذکر

جزئیات و به‌دقت مشاهدات

خود را درباب این موارد

ثبت کرده و به راه‌های

مدیریت آب در هر منطقه

اشاره کرده است که اهم

آنها از این قرار است: حفر

قنات؛ ساختن حوض‌های

بزرگ برای ذخیره آب؛

استفاده از آبگیرهای طبیعی؛

حوض‌های سرپوشیده؛ انتقال آب؛ چرخ چاه و

استفاده از دولاب بر روی رود.

سومین سخنران این نشست، دکتر هانیه زرگر



در سرزمین خشکسال و کم‌آب ایران، این موارد همواره حائز اهمیت فراوان بوده است؛ قنات‌ها، چاه‌ها و آبراه‌ها؛ دانش آب‌شناسی، چرخ چاه، آسیاب‌ها و چرخاب‌ها؛ توجه به نظافت آب‌ها؛ توجه به نحوه توزیع آب‌ها.



دانش‌های تخصصی متفاوت و متعدد نیازمندیم؛ اما برای اینکه بتوانیم از همه این دانش‌ها هم‌سو و هماهنگ با یکدیگر بهره‌برداری کنیم، باید در وهله‌ی نخست به زبان مشترکی دست پیدا کنیم. زرگر در پایان، پیشنهاد کرد باید در سطح تحصیلات تکمیلی یک میان‌رشته برای درک و تبیین اشتراکات رشته‌های مختلف ایجاد شود تا بتوان ادبیات مشترک و به تبع آن فهم مشترکی میان متخصصان حوزه‌های گوناگون برای محافظت از محیط زیست ایجاد کرد.

للهی، عضو رسمی دبیرخانه ملی هیئت بین‌الدولی تغییر اقلیم، بود که در نگاهی کلی به نمادهای عناصر اربعه (آب، باد، خاک و آتش) در فرهنگ و ادب کهن ایران پرداخت و وجود ایزدان و الهگان مختلف متناسب به هر عنصر و ایجاد پرستشگاه‌های منسوب به هریک را راهی برای آموزش احترام و حفظ حرمت طبیعت در جهان باستان دانست. در ادامه نمادهای اجزای سفره هفت سین را در ارتباط با عناصر طبیعی به تفصیل برشمرد و به نمونه‌هایی از شعر شاعران بزرگ چون فردوسی، خیام و ... در ارتباط با محیط‌زیست اشاره کرد. زرگر اظهار داشت برای حفظ اقلیم ایران به



بازخوانی روایت سه فرزانه شرقی در تاریخ فرهنگی مسیحیت

(ع) توسط مغها آذین می‌شود و آداب و فرهنگ خاصی را در جوامع مسیحی در سراسر جهان رقم زده است. در این نشست ابتدا دکتر الهام ملک‌زاده، مدیر گروه تاریخ فرهنگی پژوهشکده علوم تاریخی، از نقش شادروان دکتر محسن جعفری مذهب، مورخ و پژوهشگر فقید در توجه به این موضوع، سخن گفت و از حضور خانواده محترم ایشان در جلسه تشکر کرد. سپس، دکتر صفورا برومند، ضمن بررسی پیشینه پژوهش‌های خود در خصوص این روایت، به بررسی انعکاس آن در شکل‌گیری مولفه‌های تاریخ فرهنگی مسیحیت پرداخت. جلسه با اهدای کتاب «میراث حقیقی»، شامل مجموعه مقالات شادروان دکتر محسن جعفری مذهب، از سوی خانواده ایشان به دکتر ملک‌زاده و دکتر برومند و طرح پرسش و پاسخ به پایان رسید.

روز شنبه اول دی ماه ۱۳۹۷، جلسه سخنرانی با موضوع «بازخوانی روایت سه فرزانه شرقی در تاریخ فرهنگی مسیحیت؛ با یادی از استاد فرهیخته شادروان دکتر محسن جعفری مذهب» از سوی گروه تاریخ فرهنگی پژوهشکده علوم تاریخی در سالن اندیشه برگزار شد. موضوع این سخنرانی بر مبنای روایتی بود از انجیل متی. در این روایت چنین نقل شده است که هنگام ولادت حضرت عیسی (ع)، گروهی از مغان به راهنمایی ستاره‌ای، برای تهنیت به ایشان به «بیت لحم» آمدند؛ حضرت مریم (س) و عیسی (ع) را یافتند و پس از پیشکش هدایایی به سرزمین خویش بازگشتند. اگرچه در دیگر روایات انجیل، به این داستان اشاره نشده است، این روایت از مغان به موضوعی خاص در ادبیات مسیحی تبدیل شده است و تا به امروز یکی از شناخته شده‌ترین نمادهای تصویری مناسبت‌های مذهبی مسیحی، از جمله کریسمس و عید تجلی یا ایفانی به شمار می‌رود. بخشی از مراسم آیینی مسیحیت با نماد پیشکش هدایا به حضرت عیسی



کارنامه حقوق شهروندی در ایران

نقض حقوق شهروندی است اما مثلاً در آمریکا که حمله به عراق پیش آمد، بسیاری از افراد جلوی کاخ سفید آمدند و علیه حکومتشان تظاهرات کردند، بدون اینکه کسی را بازداشت یا کسی را متهم کنند».

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران خاطر نشان کرد: «نفس اینکه با حکومت مخالفت شود، جزو نخستین سنگ بناهای حقوق شهروندی است. اساس و بنیان حقوق شهروندی در گرو سه اصل کلی است. اگر این سه اصل در هر جامعه ای رعایت شود، می وان گفت که در این جامعه چیزی به نام حقوق شهروندی وجود دارد. اصل اول این است که عزل و نصب حکومت و آمد و رفتن حکومت با رأی مستقیم مردم باشد. مردم حکومتی را انتخاب می کنند، اگر از آن راضی بودند، چهار سال یا پنج سال بعد به همان حزب یا گروه یا جریان سیاسی مجدداً رأی می دهند. اگر راضی نبودند، به گروه دیگر یا جریان دیگری رأی می دهند. اگر این پذیرفته شود، تبعات زیادی دارد. از جمله اینکه مشروعیت دیگری برای حکومت وجود نخواهد داشت. تنها مشروعیتی که برای حکومت وجود دارد، صندوق رأی وزارت کشور است.

وی تصریح کرد: اصل دوم این است؛ حکومتی که با رأی مستقیم مردم انتخاب شده و زمام امور کشور را به دست گرفته است، این حکومت هر کاری که بخواهد نمی تواند انجام دهد. این حکومت فقط آن چیزی را می تواند و مجاز است انجام دهد که قانون اساسی آن کشور برایش مجاز دانسته است.»

زیبا کلام در ادامه به اصل سوم اشاره کرد و گفت: «اصل سوم این است که باید حکومت پاسخگو باشد. به کی؟ به پارلمان. باید در برابر عزل و نصب ها، سیاست ها و اقداماتش پاسخگو باشد. هر اتفاق ساده یا مهمی که می افتد، حکومت باید پاسخگو باشد. اگر حکومت انتخاب و عزل و نصبش به عهده مردم باشد و اگر قدرت حکومت فقط محدود بشود به آنچه قانون به آن اجازه داده است و اگر حکومت پاسخگو باشد، در آن کشور و جامعه حقوق شهروندی مراعات می شود. اگر در حکومتی یکی از این سه اصل نبود، شما نمی توانید بگویید در آن حکومت و جامعه حقوق شهروندی ساری و جاری است. لذا، اساس و بنیان حقوق شهروندی با

به مناسبت دومین سالگرد ابلاغ منشور حقوق شهروندی توسط رئیس جمهور، معاونت فرهنگی- اجتماعی پژوهشگاه نشست با عنوان «کارنامه حقوق شهروندی در ایران» را با حضور دکتر صادق زیباکلام، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۹۷ در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار کرد.



در ابتدای این نشست، دکتر زیبا کلام به برخی برنامه های روزانه اش اشاره کرد و گفت: «من در مسیری که به اینجا می آمدم، به نظرم آمد که بهتر از هر بحث نظری در خصوص فلسفه حقوق شهروندی، روایت امروز صبح زندگی خودم را برای شما بگویم که خودش به اندازه کافی گویای حقوق شهروندی در ایران می شود. من دیشب مشغول نوشتن لایحه دفاعیه ای بودم که امروز صبح باید به دادگاه تجدید نظر ارائه می کردم. این دفاعیه در مورد پرونده ای بود که به واسطه مصاحبه بنده با تلویزیون دویچه وله آلمان در خصوص ناآرامی های دی ماه سال گذشته مطرح شده بود».

وی با تشریح مسائل و حواشی پیرامون این پرونده و همچنین پرونده دیگری که در دادگاه دیگری مطرح شده بود، افزود: «فکر می کنم این مسائل به حقوق شهروندی مربوط می شود. یعنی همین که حاکمیت به واسطه مفاهیمی همچون تبلیغ علیه نظام، تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب، افراد را به زندان می فرستد، محاکمه و مجازات می کند،

محدویت قدرت حکومت همراه است. نمی شود در جامعه ای اختیارات و قدرت حکومت نامحدود باشد و پاسخگویی وجود نداشته باشد و در عین حال شما بگویید حقوق شهروندی هم در این جامعه وجود دارد».

دکتر زیبا کلام در انتها تأکید کرد: «آخرین مطلبی که می خواهم بگویم امیدوار کننده است و اینجا است که من با نسل های جدید که ناامید هستند، راهم جدا می شود. من به آینده امیدوارم، برای اینکه تاریخ گذشته ایران حکایت از پیشرفت می کند. من اگر امروز بگویم اصل تفکیک قوا، همه شما

می فهمید. ولی ۱۰۰ سال پیش اگر این حرف گفته می شد، ۹۰ درصد آدمها این حرف را نمی فهمیدند و این یعنی پیشرفت.» وی افزود: «همینطور در مورد پاسخگو بودن حکومت

و موارد دیگر می توان این مثال را زد. در طول تاریخ حکومتها هر کاری که می خواستند کردند و به هیچ عنوان محدود به قانون و پاسخگو نبودند. از زمان مشروطه روشنفکران ما این مطالب را دنبال کردند. در غرب هم یک

شبه به اینجا نرسیدند. در غرب هم ۳۰۰، ۴۰۰ سال اینگونه مباحث به طول انجامیده است. بنابراین به نسبت گذشته خودمان، بنده معتقدم حقوق شهروندی در جامعه ما پیشرفت کرده است. به نسبت گذشته که شاه سایه خدا در زمین بود و نمی شد اساساً در مورد حقوق شهروندی صحبت کرد، پیشرفت کرده ایم.

ما نمی توانیم و نباید حقوق شهروندی خودمان را با کشورهای دیگر مثل فرانسه، آمریکا و... مقایسه کنیم. ما باید با جامعه خودمان سنجیده شویم». در پایان این نشست دکتر زیبا کلام به سؤالات حاضران پاسخ داد.

من به آینده امیدوارم، برای اینکه تاریخ گذشته ایران حکایت از پیشرفت می کند. من اگر امروز بگویم اصل تفکیک قوا، همه شما می فهمید. ولی ۱۰۰ سال پیش اگر این حرف گفته می شد، ۹۰ درصد آدمها این حرف را نمی فهمیدند و این یعنی پیشرفت.



خوانش جایگاه زن در نهج البلاغه

دست من و شماست، ثمره تلاش قابل تقدیر مرحوم سید رضی است، گفت: «در خطب، در نامه‌ها و در کلامات قصار نهج البلاغه به زن توجه شده است. مثلاً در باب حقوق که حقوق را چگونه می‌توان تصویر کرد و چگونه باید اجرا کرد، معیار ارائه می‌دهد. از جمله خطب نهج البلاغه که بسیار قابل بحث و چالش است از باب حقوق زن، خطبه ۸۰ است. مرحوم سید رضی می‌فرماید، حضرت این خطبه را بعد از جنگ جمل ایراد کرده و در عنوان این خطبه آورده است که این خطبه، زنان را مذمت می‌کند با این تعبیر که زنان نسبت به مردان از نقص برخوردارند. این خطبه با این عبارات شروع می‌شود که ای مردم؛ زنان ایمانشان ناقص است (اگر ناقص را به همان معنایی که در ذهن و در تفسیر فارسی هست تلقی کنیم)، بهره‌شان ناقص است و عقلشان ناقص است. بعد تحلیل می‌کند که ایمانشان کم است چون ایام پر بود ماهیانه دارند، در آن ایام نماز نمی‌خوانند، روزه هم نمی‌گیرند پس ایمانشان هم ناقص است. عقلشان ناقص است چون شهادت دو زن مساوی شهادت یک مرد است. بخشی از این خطبه با این صورت، برای بسیاری از مردان و زنان جامعه ما قابل پذیرش نیست.»

دکتر رهایی افزود: «اول این معنای النساء را باید

نشست علمی «خوانش جایگاه زن در نهج البلاغه» روز دوشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۹۷ با میزبانی مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام و همکاری مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

این نشست به عنوان هفتمین نشست از سلسله نشست‌های ماهانه بود که در راستای تفاهم نامه مشترک بین معاونت پژوهشی دانشگاه مفید و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز تحقیقات امام علی (ع) و با سخنرانی دکتر سعید رهایی عضو هیأت علمی دانشگاه مفید برگزار شد.

دکتر رهایی ابتدا بحث خود را با این مقدمه آغاز کرد که یکی از چالش‌هایی موجود بر سرخوانش موضوع زن در خلال نهج البلاغه، بحث زنان و حقوق زنان است. دنیای امروز اعم از مسلمان و غیر مسلمان، برخی از عباراتی که در نهج البلاغه، کافی یا متون دیگر همچون رسائل در خصوص زن مطرح شده را نمی‌پسندند و گاهی این دیدگاه را غیر عادلانه هم میدانند. لذا می‌خواهیم ببینیم آنچه در نهج البلاغه از کلام حضرت امیر(ع) نقل شده است یا در متون دیگری از ایشان درباره زنان نقل شده، چیست و چگونه می‌توان آنها را تعبیر کرد.

وی ضمن اشاره به اینکه نهج البلاغه‌ای که امروز در



شناسایی کنیم. مشکلی که پیش می‌آید یکی براساس این است که لفظ النساء اسم جمع است و مفردی از خود ندارد و مانند الناس است. از طرفی گفته می‌شود کلمه جمعی که «ال» دارد مفید عموم است. النساء یعنی همه زنان. رهایی در ادامه گفت: «در تفاسیر بسیاری مثل تفسیر مرحوم علامه طباطبایی می‌بینید که در استنباطاتی

که از قرآن می‌کند می‌گوید که این جمع محلی به ال است. اینجا ال مفید عموم نیست. چنانکه مقصود از ایها الناس یا معاشر الناس که ابتدای خطبه است همه مردم نیست. یعنی این گونه نیست که از زمان حضرت امیر(ع) به قبل و زمان ایشان تا ابد اشاره شده باشد. این خطبه را بررسی کردم تا بدانم این خطبه قبل از سید رضی و بعد از ایشان کجاها آمده است. دیدم در کتب مختلفی این

خطبه آورده شده است. این خطبه را سید در صفحه ۱۰۰ خصائص الائمة هم ذکر کرده است. در آنجا مطلب گسترده‌تر است.

وی در ادامه بخشی را از بحار خواند: «حضرت درباره طلحه و زبیر می‌فرماید: اینها با من بیعت کردند. اگر با من بیعت نمی‌کردند، مثل برخی که (مثلاً عبدالله عمر) بیعت نکردند (این بحث در مباحث شرکت در رای و اجبار در رای بحث زیبایی است) من هرگز آنها را مجبور نمی‌کردم که رای بدهند. چنانچه من با دیگرانی هم که در مسجد آمدند و گفتند: یا علی! ما به تو رای نمی‌دهیم و تو را به عنوان خلیفه قبول نداریم، برخورد خشنی نکردم. علت اینکه اینها رای دادند و بعد برگشتند این بود که طلحه فکر می‌کرد که وقتی به عنوان صحابه خاص پیامبر با من بیعت می‌کند، او را والی یمن قرار می‌دهم و زبیر فکر می‌کرد او را والی عراق خواهم کرد. اما بعد که متوجه شدند من تحت تأثیر شهرت نیستم، به من گفتند اجازه بده ما عمره برویم، در حالی که به دنبال پیمان‌شکنی بودند. پس سراغ عایشه رفتند و او را تخفیف دادند و از من ترساندند. عایشه هم زمینه آن را داشت و در نفس او کینه‌های زیادی نسبت به من وجود

داشت».

وی ادامه داد: «بنابراین اینجا منظور حضرت از النساء، همه زنان نیست چون هیچ کس نگفته است همه زنان از نظر عقلی ناقص هستند، از نظر ایمانی ناقص هستند و از نظر بهره‌همینطور. چرا که در بین این زنان حداقل حضرت فاطمه

زهرا(س) و حضرت زینب (س) و بسیاری دیگر از افرادی که قرآن یا روایات این زنان را ستوده است وجود دارند که شامل این تعبیر نیستند. لذا به یقین این کلام عمومیت ندارد و همه زنان مقصود نیست. حضرت در یک کلمه بسیاری از زنان دوره خود را توصیف می‌کند و همچنین این کلمات حضرت جدلی و کنایه است. حضرت امیر(ع) در بین کسانی است که عایشه را به عنوان امام و رهبر خودشان قبول کردند و شتر عایشه را معجزه ی

هیچ کس نگفته است همه زنان از نظر عقلی ناقص هستند، از نظر ایمانی ناقص هستند و از نظر بهره‌همینطور. چرا که در بین این زنان حداقل حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب (س) و بسیاری دیگر از افرادی که قرآن یا روایات این زنان را ستوده است وجود دارند که شامل این تعبیر نیستند. لذا به یقین این کلام عمومیت ندارد و همه زنان مقصود نیست.

الهی می‌دانند تاجایی که در نهج‌البلاغه هم آمده که مدفوع شتر را برای تبرک به سر و صورت خود می‌مالیدند. اکثریت این افراد معتقدند که زنان موجودات دست دومی هستند و نمی‌توانند رهبری را به عهده داشته باشند. حضرت می‌خواهد بگوید شما با این اعتقاد چرا دنبال عایشه رفتید. همچنین در پرداخت کلام می‌بینیم استدلال‌های حضرت همگی استدلال‌های برهانی نیست و قابل خدشه است. لذا بسیاری می‌گویند این کلام اصلاً مستند به حضرت نیست. ما در جایی منبع قوی بر این کلام پیدا نکردیم. این کلام از حیث ادبی هم قوی نیست. همچنین به یقین جنبه برهانی ندارد.

رهایی در ادامه استدلال‌های خود را بیان کرد: «النساء نواقص الایمان: حضرت می‌فرمایند زنان ایمانشان کم است. اول، منظور از ایمان اینجا اعتقاد نیست چون یک کفر و ایمان داریم به عنوان کفر و ایمان عملی. زنان در عمل مثل مردان مؤمنانه عمل نمی‌کنند چون زنان حیض می‌شوند و چند روز از ماه را نماز نمی‌خوانند و روزه هم نمی‌گیرند. همه زنان که حیض نمی‌شوند. بسیاری از زنان یائسه هستند و حیض نمی‌شوند و بسیاری هم کم سن هستند و حیض نمی‌شوند. ثانیاً اینکه زنان



دیگر نقل شده است. امام صادق(ع) در پاسخ می‌فرمایند؛ این اتفاقا به نفع زنان است چون زنان متصدی خرج نیستند و بسیاری از هزینه‌ها به عهده آنها نیست. اگر بخواهید محاسبه کنید در نهایت حتی زنان بیشتر از مردان در ارث پول می‌گیرند چرا که نباید نسبت را فقط در نظر گرفت چراکه زن نصف مرد می‌گیرد. ثروت بیشتر دست مردان است و اگر بخواهید به مقدار توجه کنید در حقیقت زنها بیشتر از مردان ارث می‌برند. کلام حضرت قاعدتا کلام جدلی است.»

وی در خاتمه تأکید کرد: «وقتی می‌توانیم کلامی را تفسیر کنیم که مفهوم و مقصود کلام را بفهمیم و در آستانه ادله قرآنی آن را بسنجیم. قرآن در بسیاری موارد زنان را ستایش می‌کند و تدبیر زنان در بسیاری موارد روایت شده است. شخص رسول الله روایت دارد که با زنان مشورت نکن مگر تجربه کنید که فرد عاقلی است. اما با زنانی که عقلشان را تجربه کردید، مشورت کنید. لذا این عموماً نمی‌تواند حجت باشد و چه بسا اگر در کنار اینها خطبه ۲۱۶ را ملاحظه کنید آنجا می‌گوید؛ زنان، مردان، مسلمانان و غیرمسلمانان همه در برابر هم حقوقی دارند و نمی‌تواند فردی بگوید که حق‌ها مختص من است و دیگران حق ندارند. آنجا می‌گوید، اگر قرار باشد کسی در مقابل کسی حق نداشته باشد آن خداوند است که شما حقی بر خدا ندارید. در بحث عدالت، حضرت در خطبه ۲۱۶ می‌فرمایند که عدالت بدون تنظیم حق‌ها و در حقیقت تقابل حق‌ها امکان‌پذیر نیست. بنابراین کلماتی که از حضرت در مورد زنان وجود دارد، باید به کلیت خطبه توجه کرد.»

اگر در ایام حیض روزه نمی‌گیرند، اتفاقاً این امر مسئولیت بیشتری برای آنان دارد چراکه بعد باید قضای آن را به تنهایی بگیرند. پس زنان روزه هم می‌گیرند و اتفاقاً سخت‌تر هم می‌گیرند. در باب نماز هم زنان مؤمنه دلشان می‌خواهد نماز بخوانند و حتی در روایت هم داریم که زنان مؤمنه در ایام حیض جانماز را پهن می‌کنند در سجاده می‌نشینند و ذکر می‌گویند. از طرفی آیا مگر ثواب عمل فقط به انجام عمل است؟ ثواب و ایمان به اطاعت است. یعنی گاهی که خدا گفته انجام دهیم، انجام می‌دهیم و گاهی که گفته انجام ندهیم، انجام نمی‌دهیم. در روایت از ائمه اطهار هست در مورد پیامبر (ص) که فرمودند، خداوند همانطور که دوست دارد واجباتش اخذ شود همانگونه هم دوست دارد که رخصت‌هایش اخذ شود. همینطور در بخش‌های بعدی بطور مثال، نواقص العقول. اینکه گفته شود عقلشان کم است چون تعداد شاهد‌های زن باید دو برابر مرد باشد آیا حکم به کم عقلی زن دارد؟ این یک حکم تعبدی شرعی است. خیلی از مواقع زنان تدبیر عقلایی دارند. در مورد نواقص الحظوظ که گفته می‌شود بهره آنها کم است چون ارث کمتری دارند. ما در این مورد روایت داریم که «ابن ابی الاوجاع» که از ماتریالیسم‌های زمان امام صادق(ع) بود، در کنار کعبه می‌نشسته و علیه اسلام صحبت می‌کرده و جالب است که بارها علیه ائمه اطهار صحبت کرد و ائمه هم پاسخ دادند اما هیچ کدام از ائمه به عنوان مرتد حکم اعدام به وی ندادند بلکه خلیفه او را کشت. این روایت است که عده‌ای نزد امام صادق(ع) می‌آیند و بیان می‌کنند که «ابن ابی الاوجاع» می‌گوید، زن بیچاره و ناتوان چه گناهی دارد که خداوند ارث نصف به او در نظر گرفته است؟ این روایت هم در رسائل و هم جاهای



ظرفیت‌های علوم انسانی و اجتماعی در ارتباط با تولید و صنعت

وی در ادامه بخشی از این پژوهش را بازخوانی کرد که به برخی تفاوت‌های پیشرفت اقتصادی در کشورهای بهادنده به علوم انسانی و کشورهای بی‌توجه به این موضوع اختصاص داشت.

اظهارات دادگر در این مقایسه مبتنی بر این دریافت بود که توجه به اقتصاد سیاسی به جای اقتصاد محض، ضروری‌تر می‌نماید؛ زیرا فضای نرم اقتصاد سیاسی، فضای توجه به همه ابعاد اثربخش در اداره جامعه (اعم از اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و غیره) است و پیامد آن علوم انسانی و تولید اندیشه سازگار، بخش خصوصی پرنشاط، بخش عمومی کارآمد و منضبط و بهره‌وری بالا خواهد بود.

مثال دادگر در این باره مربوط به یافته آسموگلو، صاحب‌نظر معروف اقتصادی، بود که مشارکت واقعی مردم و پایان دادن به الیگارش‌ی را در ارتباط با اقتصاد جوامع، راه نجات ملت‌ها معرفی کرده است. ناگفته پیداست که چنین یافته‌ای در مطالعات اقتصاد محض جایی ندارد و آن را تنها در مطالعات اقتصاد سیاسی جوامع می‌توان مشاهده کرد. وی در پایان، طبق نتایج مطالعه خود پیشنهاداتی داشت:

اختصاص دست‌کم ۳۰ درصد کارایی به نظارت صمیمی دولت و نه دخالت مخرب او؛ پیوند نزدیک به ۸۰ درصد بهره‌وری به ایجاد اعتماد فراگیر بین مردمان و حاکمان؛ ترجمان این موارد از یک‌سو به دریافت پیام علوم انسانی و از سوی دیگر اثربخشی بر بهره‌وری، شرط

پنجمین نشست تخصصی همایش ملی ارتباط علوم انسانی، تولید و صنعت ۱۵ دی ماه ۱۳۹۷ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

نشست کارگروه اقتصاد و مدیریت این همایش، تحت عنوان «ظرفیت‌های علوم انسانی و اجتماعی» به «آسیب‌شناسی و حل مسائل زیرساختاری، نهادی، سیاست‌گذاری و بنگاه‌داری تولید و صنعت» اختصاص داشت.

دکتر یداله دادگر، هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی؛ دکتر ناهید پوررستمی، هیأت علمی دانشگاه تهران؛ دکتر امیرحسین مزینی، هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس و دکتر مهدی نزاکتی، مشاور و مدرس رشته مدیریت، سخنران این پیش‌همایش بودند. دبیری این نشست نیز بر عهده دکتر محمدعلی ابوترابی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بود.

جلسه با سخنرانی یداله دادگر آغاز شد. عنوان سخنرانی وی «عناصر قائم به ذات علوم انسانی و پیشرفت اقتصادی: یک برنامه پژوهشی عظیم: حلقه مفقوده در اقتصاد ایران» بود.

دادگر ضمن مرور نتایج یک پژوهش گسترده، توجه به بهره‌وری را به عنوان حلقه مفقوده اقتصاد ایران معرفی کرد و گفت: «در این مطالعه اولیه «یافتن ارتباط سرانگشتی بین درس‌های از علوم انسانی از یک‌سو و وضعیت پیشرفت اقتصادی از سوی دیگر دنبال شده است».



نهادی رشد متفاوت بهره‌وری خواهد بود. دادگر یافته‌ی کلیدی قرن ۲۱ برای پیشرفت در تولید و صنعت جوامع را «استواری علوم انسانی بر ماهیت بین‌رشته‌ای اقتصاد» عنوان کرد و بر «پژوهش» و توجه به «یافته‌های پژوهش» در دورانی تأکید کرد. وی در ادامه به مرور «عوامل کلیدی در پیشرفت اقتصادی» پرداخت.

دادگر از شیب تند دانشگاه‌های آمریکا و کانادا نسبت به اروپا در پیوند دادن علوم انسانی به صنعت و تولید از ۱۹۶۰ به بعد در دانشگاه‌های برکلی، MIT، هاروارد، استنفورد، کولورادو، نوتردام، ایندیانا، کارلتون، ویکتوریا، بریتیش کلمبیا، کلگری و مک‌گیل گفت و روند جایزه نوبلی‌های اقتصاد را تأثیرپذیری از سمت علوم انسانی خواند و نمونه‌های مهمی را بیان کرد.

ناهید پوررستمی «پتانسیل‌های علوم انسانی و اجتماعی در آسیب‌شناسی و حل مسائل زیرساختاری، نهادی، سیاست‌گذاری و بنگاه‌داری تولید و صنعت ایران؛ بررسی تجربه ژاپن» را مدنظر قرار داد و از «ضرورت توجه به علوم انسانی و اجتماعی برای حل مسئله» شروع کرد و با اشاره به اجلاس ۲۰۱۶ مجمع جهانی اقتصاد در داووس به سوالی که کلارس شواب مطرح کرد، پرداخت: «چرا برای آموزش انقلاب صنعتی چهارم نیاز به علوم و علوم انسانی داریم؟» و برای پاسخ به این سؤال به مرور چهار دوره تاریخی پرداخت.

موضوع پوررستمی اولویت دادن یک رشته از دانش به رشته‌های دیگر نبود؛ بلکه مسئله دانش یکپارچه بود. دانش یکپارچه به معنی توجه داشتن به تمامی متغیرهای فهم در حل مسئله.

در ادامه، پوررستمی به «اهمیت و نقش تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی در فرآیند توسعه صنعتی ژاپن» پرداخت. این پرداخت، مستلزم واگویی «گرایش‌های فکری فلسفی غالب» در تاریخ ژاپن بود، لذا وی در ادامه این گرایش‌ها را توضیح داد و گفت: «نظریه‌های اقتصادی اجتماعی دوره انزوای ژاپن که به «دوره توکوگاوا» شامل دو نظریه روحیه تولید (و نه مصرف) و رقابت‌های تولیدی بین حکومت‌های محلی می‌شود».

پوررستمی از رابطه مثبت میان علم و پیشرفت‌های صنعتی گفت؛ با این حال نظام سرمایه‌داری ژاپن را خلاف قاعده‌های نظام سرمایه‌داری مرسوم توصیف کرد. اما این توصیف به این معنی نبود که نسبت هزینه تحقیقات به GDP را نزدیک به همین نسبت در آلمان و آمریکا نداند.

پوررستمی سهم و نوع تحقیق و توسعه در ژاپن را در سه محور به شرح زیر خلاصه کرد:

- ابتدای دوره میجی سهم دولت در اقتصاد و همچنین تامین برخی زیرساخت‌های تحقیقات صنعتی بالا بود؛ اما خیلی سریع این سهم کاهش یافت؛

- قسمت اعظم امور تحقیقات و توسعه در مالکیت بخش خصوصی و در شرکت‌های بزرگی مانند میتسوبیشی، نیسان و... است؛

- تحقیقات صورت‌گرفته در ژاپن بیشتر متوجه تحقیقات کاربردی است تا تحقیقات محض و پایه (که البته به این مورد نقدهایی وارد است).

در ادامه پوررستمی به اهمیت نظام آموزشی پرداخت و درباره نقش نظام آموزشی نوین ژاپن در تحولات زمان را گفت: «تحصیلات ابتدایی در طول مدت کوتاهی به اقصی نقاط کشور و با انتخاب



بهترین محل و مجهزترین وسایل روز گسترش یافت. به طوری که در آغاز قرن بیستم بی‌سوادی به طور کامل از زندگی مردم ژاپن رخت برپست؛ در سطح تحصیلات عالی در رشته‌هایی چون مهندسی و امور بازرگانی تاکید زیادی بر آموزش‌های عملی بود که منجر به تربیت عده کثیری از ماموران دولتی زبده و منضبط و متعهد به کار، حسابداران و مهندسان قادر به جذب تکنولوژی غرب در صنایع نوپا شد. اولویت آموزش‌های عملی در دوران میجی و بعد از جنگ جهانی دوم از دلایل عمده تسریع فرآیند رقابت صنعتی ژاپن با غرب محسوب می‌شود».

وی در ادامه دربارهٔ آموخته‌های منتج از تجربه توسعه صنعتی ژاپن گفت: «لازمه توسعه صنعتی توجه به متغیرهای انسان‌شناختی و اجتماعی در کنار الزامات فناورانه مانند متغیر کلیدی «شرمساری» و در نتیجه «انقلاب سخت‌کوشی»

در ژاپن که نقش مهمی در انقلاب میجی داشت و تاکنون حفظ شده است؛ مبانی فکری فلسفی توسعه نه به معنای آشنایی با نظریات توسعه، بلکه به معنی نوع نگرش دولت و مردم به تولید، ساخت، تکنولوژی و رقابت به عنوان زیرساخت توسعه صنعتی محور کل سیاست‌های دولت ژاپن تولید است که محور آن در عصر روشنگری میجی توسعه صنعتی تعریف شد و تاکنون ادامه دارد؛ توجه به فرآیند توسعه صنعتی به عنوان فرآیند تکاملی و زمان‌بر با ملزومات خاص مکانی و نه صرفاً با نگاه پروژه‌ای و مقطعی. این نگاه در صنایع ژاپن با تعریف بخش‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای و با

صرف هزینه‌های زیاد مشهود است (نگرش دانش یکپارچه در توسعه صنعتی ژاپن)؛ انباشت مستمر مادی، انسانی و کیفی (آموزشی) و سپس رقابت.

مزینی در سخنرانی خود با عنوان «تعامل میان ملاحظات انسانی-اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی؛ پیشینه تاریخی و الزامات کنونی» روایتی از تقریب و تفکیک علم اقتصاد از علوم انسانی ارائه کرد: «در دهه‌های اخیر یکی از ایرادات وارده بر دانش اقتصاد، فاصله گرفتن آن از علوم انسانی و ملاحظات اجتماعی و اخلاقی بوده است؛ حال آنکه نیم‌نگاهی به سابقه ظهور و شکل‌گیری علم اقتصاد حکایت از آن دارد که این علم در یک بستر اخلاق‌گرا و مبتنی بر پشتوانه‌های علوم انسانی تبلور یافته است. اما به مرور زمان و با ظهور یافتن قابلیت‌ها و توفیقات اقتصاد متعارف (که از آن به اقتصاد

پایان‌نامه‌ها به ویژه در رشته‌های کاربردی باید بر مبنای اولویت‌های صنایع باشد؛ یعنی پژوهش‌محور یا مسئله‌محور باشد.

کلاسیک تعبیر می‌شود) جنبه مکانیکی دانش اقتصاد به شدت گسترش یافت و همزمان ماهیت علوم انسانی این دانش تضعیف شد».

مزینی اوج این جریان را که آن «انحرافی» توصیف می‌کرد «در برخی ایده‌ها و اظهارنظرهای بزرگان دانش اقتصاد به طور مثال جان استوارت میل» دانست؛ بدین مضمون که «فیزیک می‌تواند الگوی مناسبی برای اقتصاد باشد».

«این روند به عنوان جریان غالب تا نیمه اول قرن نوزدهم ادامه یافت تا اینکه برخی جنبش‌های منتقد (دگراندیش) در کشورهای مختلف ظهور یافتند» که بارزترین این جریانات مکتب تاریخی



آلمان معرفی شد. مزینی ضمن بیان برخی از اصول این مکتب، گفت: «متعاقب این جنبش دیگر جریان‌های دگراندیش اقتصاد همچون مکتب اتریش، اقتصاد نهادگرا، اقتصاد رفتاری، اقتصاد شناختی، اقتصاد تطوری، اقتصاد آزمایشگاهی و... ظهور یافتند که از میان آن‌ها مکتب نهادی است نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تحلیل وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. نهاد شامل رسوم، عادات اجتماعی، قوانین، روش‌های فکری و به طور کلی روش زندگی است».

تلاش مزینی، در جهت ارائه تصویری انسانی از فرآیند رشد و توسعه اقتصادی بود و اشاره‌اش به این مکاتب و به‌خصوص مکتب نهادی نیز از این بابت بود که نشان دهد «وجه اشتراک جریان‌های رقیب مکتب کلاسیک، انتقاد به رویکرد مکانیکی و از پیش تعیین‌شده نسبت به سازوکارهای اقتصادی در چارچوب تحلیل‌های قیاسی این کتب است. به طوری که باعث شده‌اند دانش اقتصاد از بسیاری از ملاحظات انسانی و اجتماعی تصفیه شده و عملاً این ملاحظات به دانش‌هایی چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، انسانشناسی، علوم سیاسی و... تبعید شود.

وی با شیفت این بحث به ایران خاطرنشان کرد: «این نقیصه (فقدان توجه به مباحث انسانی و اجتماعی) در فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌ها مشاهده می‌شود» و به «ضرورت بازتعریف بسیاری از فرآیندها و قانون‌مندی‌های اقتصادی از منظر ملاحظات انسانی و اجتماعی (با توجه به شرایط خاص حاکم بر جامعه) تأکید کرد.

مستلزم تکمیل چنین بحثی، همچنین توجه به بحث «ارزیابی تبعات» فعالیت‌های اقتصادی بود که مزینی به آن نیز پرداخت. وی ارزیابی تبعات اجتماعی را بررسی تبعات اقداماتی دانست که عملکرد، مناسبات و ساماندهی افراد و اعضای جامعه (اعم از ارزش‌ها، نگرش‌ها، ادراکات، روابط و...) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و منظور خود را از ارزیابی «شناسایی»، پایش، اندازه‌گیری، تحلیل و مدیریت پیامدها» دانست که تمامی تبعات «خواسته و ناخواسته، مثبت و منفی، مستقیم و غیرمستقیم» را شامل می‌شود.

مزینی با توضیح چهار فاز اصلی فعالیت اقتصادی، گفت: «ارزیابی تبعات اجتماعی در تمام مراحل بایستی اجرا شود. این ارزیابی، یک فعالیت بین‌رشته‌ای است که (حسب نیاز) «نیازمند متخصصانی از فرهنگ، جامعه‌شناسی جمعیت‌شناسی، اقتصاد، جغرافیا، باستان‌شناسی و

تاریخ، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و... است». سخنران بعدی این نشست، دکتر نزاکتی بحث خود را با تعریف مفاهیم علوم انسانی و صنعت آغاز کرد و به طبقه‌بندی انواع پروژه‌های قابل تعریف میان علوم انسانی و صنعت رسید:

- پروژه‌های مبتنی بر توانمندی علوم انسانی در محیط صنعت؛

- پروژه‌های مبتنی بر توانمندی صنعت در محیط علوم انسانی؛

- پروژه‌های مبتنی بر توانمندی صنعت و علوم انسانی در محیط ثالث.

وی در ادامه به بحث کارآموزی پرداخت و آن را لازمه پروژه‌های دسته اول دانست و گفت: «کارآموزی برای رشته مدیریت به عنوان یک رشته کاربردی، اجباری نیست. در حالیکه مانند رشته‌های مهندسی، واجب است. تجربه شرکت‌های بزرگی چون زیمنس نیز این امر را تایید می‌کند. از آنجا که عمدتاً در واحدهای صنعتی مدیران، مهندس هستند؛ لازم است در رشته‌های مهندسی، درسی به عنوان «آشنایی با حوزه‌های کاربرد علوم در جامعه» تعریف شود. یکی از معضلات اصلی در صنعت این است که حوزه‌های دیگر را تخصصی نمی‌دانند یا کاربرد آن را نمی‌شناسند. بنابراین در همان دوره دانشگاه هر متخصصی باید بیاموزد که سایر متخصصین خصوصاً آن‌ها که در علوم انسانی تحصیل کرده‌اند، در کجای جامعه و حوزه دانش نقش آفرینی می‌کنند».

نزاکتی در ادامه به موضوع پایان‌نامه‌ها اشاره کرد و گفت: «پایان‌نامه‌ها به ویژه در رشته‌های کاربردی باید بر مبنای اولویت‌های صنایع باشد؛ یعنی پژوهش‌محور یا مسئله‌محور باشد. در زمینه آموزش نیز آموزش‌های مدیریت در قالب‌های مختلف و توسط مراکز مختلف انجام می‌شود. ولی نیاز به اصلاحات جدی دارد. دوره‌های آموزشی مبتنی بر فرهنگ، محیط و نیازهای واقعی صنعت باشد، نه صرفاً ارائه مدل‌ها. بنابراین یکی از روش‌های مناسب، استفاده از مشاور مدرس است. مدارس مشترک مدیریت در سازمان‌های بزرگ صنعتی، مدلی است که قرار بود در دانشگاه‌های علمی کاربردی پی‌گیری شود.

وی در ادامه با بیان اینکه دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های علوم انسانی می‌توانند مشاور و مجری پروژه‌های مدیریتی صنعتی باشند، برخی مصادیق پروژه‌های مبتنی بر توانمندی صنعت در محیط علوم انسانی را نیز برشمرد و یک صورت‌بندی خلاصه از آسیب‌شناسی این پروژه‌ها نیز ارائه کرد.

گزارش نشست «فخر رازی؛ اندیشمندی جستجوگر»

المشركين پرداخت و با قرار دادن اين اثر در بافت گسترده تاريخى آن عنوان كرد: «فرقه‌شناسى و فرقه‌نگارى يکى از کهن‌ترين علوم تاريخى است که ايرانيان به آن پرداخته‌اند و در اين زمينه

نشست تخصصى فخر رازى با عنوان «فخر رازى؛ دانشمندی جستجوگر» در ۱۳۹۷/۹/۲۰ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگى برگزار شد.



می‌توان از آثاری مانند «طبقات الاطباء و الحكماء» نام برد. منظور از فرقه‌نگاری بررسی مکاتب کلامی و فلسفی است و در این زمینه می‌توان کتاب‌های [ابومنصور عبدالقاهر] بغدادی و [محمد بن عبدالکریم] شهرستانی را مثال زد. فخر رازی رساله «اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین» را در دوران پختگی علمی خود نوشته است و در آن فرقه‌های اسلامی و غیراسلامی را بر حسب ترتیب زمانی آنها در ده فصل رساله دسته‌بندی کرده است. اگرچه مورخان و شرح‌نویسان از این اثر در ذیل آثار رازی بحث نکرده‌اند، اما او در آن سعی کرده است تا به نحوی بی‌طرفانه تاریخ‌نویسی کند و بیش از ۱۱۰ فرقه را بر می‌شمارد. این فرقه‌ها شامل خوارج، معتزله، روافض، صوفیه، مرجئه، فرق متظاهر به اسلام، فرقه‌های خارج از اسلام و فیلسوفان هستند. اگر چه فخر رازی اشعری است اما چنین نیست که همیشه پیرو اشعریان باشد و گاهی ضعف استدلال‌های آنها را نشان داده است؛ از این رو، برخی از بزرگ‌ترین مخالفان وی اشعری هستند».

سجادی تأکید کرد: «این رساله کوچک نشان‌دهنده عمق مطالعات و مباحث او است و در آن می‌توان

این نشست تخصصی علاوه بر هدف اصلی آن که بررسی آراء و اندیشه‌های فخر رازی بود، در واقع پیش‌نشست همایش بین‌المللی فخر رازی است که در ماه‌های آتی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار خواهد شد.

این نشست تخصصی با حضور سه تن از چهره‌های شاخص در حوزه فلسفه و اندیشه اسلامی برگزار شد و در آن به ترتیب دکتر سید صادق سجادی، عضو هیأت علمی بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، با عنوان «فخر رازی و فرقه‌شناسی»، دکتر نصرالله پورجوادی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران و رئیس پیشین مرکز نشر دانشگاهی، با عنوان «فخر رازی و علم‌الادیان»، و دکتر اصغر دادبه، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه علامه و عضو هیأت علمی بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، با عنوان «فخر رازی؛ فیلسوف یا متکلم» به ایراد سخنرانی پرداختند.

دکتر سجادی در سخنان خود، ضمن اشاره به اینکه فخر رازی یکی از مهمترین متفکران ایرانی است، گفت: «با وجود بزرگی کمتر به وی پرداخته شده است و جز کتاب دکتر دادبه در هیچ اثری به صورت جامع به آن پرداخته نشده است». وی سپس به بررسی و شرح رساله اعتقادات فرق المسلمین و



آثار مناظرات فخر رازی با دیگر عالمان را یافت. این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا ابعاد مختلف فعالیت‌ها و آثار او کاویده شود و زمینه‌ساز همایش بین‌المللی آتی شود.

سخنران بعدی این نشست تخصصی، دکتر پورجوادی بود که سخنان خود را با تمییز دو دوره در تاریخ علوم اسلامی آغاز کرد و عنوان کرد: «یک دوره کلاسیک وجود دارد و یک دوره پساکلاسیک؛ در دوره کلاسیک علوم مختلف از جمله فلسفه، کلام، تصوف، عرفان و غیره به اوج خود می‌رسند و در همین دوره است که زایش متفکران بزرگ را شاهد هستیم. این دوره‌ای است که در آن علم تولید می‌شود. اما در دوره کلاسیک متفکرانی مانند فخر رازی تلاش دارند تا با شیوه دایره‌المعارف‌نویسی مروری بر علوم قرون گذشته به‌ویژه عصر زرین داشته باشند و به عبارتی علوم آن دوره را تدوین کنند».

از نظر وی اهمیت عصر پساکلاسیک از یک جهت دیگر هم مشهود است و آن این است که بسیاری از آثار عصر زرین، مانده آثار زکریای رازی، از بین رفته‌اند و به همین دلیل کتاب‌هایی مانند احیاء علوم‌الدین غزالی که بازنویسی آثار گذشته هستند از این جهت مهم هستند که مطالب آن کتاب‌های مفقود را گزارش کرده‌اند.

دکتر پورجوادی در بخش دیگر سخنان خود فخر رازی را ارسطویی در میان متفکران اسلامی دانست، اما از جهت کثرت آثار و دایره‌المعارف‌نویسی، نه مشائی بودن یا معانی دیگر، بلکه فخر رازی از آن جهت که به علوم و معارف توجه دارد شبیه ارسطو است و مثالی از آن کتاب جامع‌العلوم فخر رازی است که به صورت دانشنامه به سبک ارسطو نوشته شده است؛ چنانکه احیاء علوم نیز دایره‌المعارفی در علم دینی و اخلاقی است. او عنوان کرد که کتاب جامع‌العلوم درباره علوم عقلی است و فخر رازی در دین‌پژوهی هم همین روش را ادامه داده است. وی در تقابل با نظر دکتر سجادی معتقد بود که کتاب «اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین» ارزش زیادی ندارد چراکه مطالب کتاب‌هایی چون ملل و نحل یا تبصره‌العوام بسیار با ارزش‌تر از کتاب فخر رازی هستند. اما با این وجود می‌تواند در شناخت فرقه‌ها به ما کمک کند. پورجوادی سپس به سابقه علم‌الادیان پرداخت و گفت که علم‌الادیان از قرن ۱۹ میلادی و با تحقیق درباره کتاب مقدس پدید آمد که در آغاز رویکردی علمی و پدیدارشناسانه داشت و تلاش می‌کرد بدون داوری ادیان و فرق را بررسی کند. اما برخلاف آن دین‌پژوهی در ایران در حالی پدید آمد که جهان در حال اسلامی شدن

بود و کتاب فخر رازی نمونه‌ای از آخرین این آثار است. اما رازی نتوانسته است در آن بدون پیش داوری عمل کند و عده‌ای مسلمان و عده‌ای دیگر را مشرک می‌خواند.

وی عنوان کرد: «معتقد هستیم که کار فخر رازی جز تقلید نبوده است. به همین دلیل که فخر رازی بی‌طرف نبوده است این اثر او شبیه به یک دفاعیه مذهبی است چنانکه او در آن شیعیان را گمراه می‌داند و با کرامیه هم مخالفت می‌کند. برخلاف کسانی مانند شهرستانی یا ابوالعباس ایران شهری یا ابوریحان بیرونی معتقد بودند که نباید تبلیغ دینی را با دین‌پژوهی آمیخت و ابوریحان، عباس ایران‌شهری را به عنوان محقق نمونه در این زمینه یاد می‌کند. این روحیه بی‌طرفانه را فخر رازی به عنوان آخرین حلقه این زنجیره در قرن ششم نتوانسته است حفظ کند».

سخنران بعدی این نشست دکتر اصغر دادبه بود که عنوان نشست برگرفته از یکی از فصل‌های کتاب وی بود و سخنرانی خود را با بحث از اینکه آیا فخر رازی متکلم است یا فیلسوف پیش برد و گفت: «برخی فخر رازی را فیلسوف می‌دانند و برخی دیگر او را متکلم-فیلسوف می‌دانند. وی با قرار دادن فخر رازی در بطن تفکر اسلامی عنوان کرد که تسامح و تساهلی که از قرن‌های پیش، خصوصاً قرن چهارم شروع شده بود، با اینکه در حال از بین رفتن بود اما می‌بینیم که فخر رازی همچنان از این میراث گذشته ارث برده است و اگر چه محصول میراث ارجمندی است که از دچار تزلزل شده اما از میان نرفته است. اگر من او را داخل حلقه فیلسوفان نمی‌کنم و از جرگه متکلمان خارج نمی‌کنم، اما معتقدم که متکلم محض هم نیست، بلکه به عنوان امام المشککین در حوزه‌های مختلف جستجوگری کند؛ و از آنجا که فلسفه است که اجازه بازنگری را می‌دهد و این حق را به فرد می‌دهد که در مسائل بازنگری کند و توانایی تحمل تفکر دیگری را می‌دهد».

وی در خاتمه یادآور شد: «براساس همین ویژگی مختصات اندیشه‌های فخر رازی به شیوه خاص است همانطور که اشعری‌گری اشعری و حافظ یکی نیست، فخر رازی هم اندیشه‌های خاص خود دارد و مقلد صرف نیست. تجدد فکری فخر رازی یک ویژگی فلسفی است و رفتار او نتیجه باقی ماندن عصر زرین طلایی است و اگر آن عصر مورد حمله مغول و دیگران قرار نمی‌گرفت شاید جور دیگری اتفاق می‌افتاد».

قرآن، باطن‌گرایی و غلو: تأملی در شکل‌گیری نظریه تفسیر باطن در تاریخ متقدم شیعه

موجود است، اصولی و فقهی است و آن تشیع اولیه کاملاً باطنی و یا به تعبیری غالبانه بوده و تشیع موجود دست‌خوش قدرت‌ورزی یک گفتمان فقیهانه شده است.

گرامی تصریح کرد: «جستجوها نشان می‌دهد گفتمان باطن یا بطن‌القرآن در سده نخست هجری به صورت کلی کاربرد داشته است و در ارتباط با

قرآن نیست، بلکه در ارتباط با صفات ذات ربوبی هستند. لیکن گزارش‌هایی موجود است که نشان می‌دهد این گفتمان در اوایل سده دوم هجری میان شیعیان به صورتی مشخص‌تری شکل گرفته است. فضیل می‌گوید که از امام باقر(ع) پرسیدم که «مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» و امام(ع) در

پاسخ فرمودند که «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ، وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ». برای درک بهتر نظریه تفسیر باطن در میان تشیع باید دید چه دیدگاه‌هایی در مورد دوگانه ظاهر و باطن وجود داشته و در این بستر، دیدگاه شیعیان چه بوده است؟

کهن‌ترین گزارش در این رابطه متعلق به قاسم بن سلام است که دیدگاه‌های مختلف در مورد روایت نبوی (هیچ آیه‌ای نیست مگر اینکه ظاهر و بطن دارد) را گرد آورده است. یکی از دیدگاه‌هایی که او مطرح می‌کند، نظر حسن بصری است که ظاهر و بطن را به معنای تغییر یک چیز می‌داند. دیدگاه دیگر این است که منظور از ظاهر، لفظ و مراد از باطن، تأویل آن است. سومین دیدگاه که قاسم بن سلام آن را به عنوان بهترین نظر نیز اعلام می‌کند این است که ظاهر قرآن اخبار مربوط به گذشته است. اما این گزارش‌ها معنای باطنی دارند و معنای باطنی آن‌ها نیز موعظه‌هایی است

پژوهشکده مطالعات قرآنی در تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۹۷ نشست با عنوان «قرآن، باطن‌گرایی و غلو؛ تأملی در شکل‌گیری نظریه تفسیر باطن در تاریخ متقدم شیعه»، با سخنرانی دکتر سید محمدهادی گرامی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.

دکتر گرامی در این نشست به ارائه پیشینه‌ای از تحقیقات مرتبط با موضوع پرداخت و گفت: «بررسی و تحلیل روش‌ها و مکاتب تفسیری همواره یکی از موضوعات اصلی در مطالعات قرآنی بوده است. با این حال، توجه به تاریخ شکل‌گیری انگاره تفسیر باطن و تطور آن به عنوان یک نظریه تفسیری، در حوزه اندیشه شیعه کمتر مورد توجه

قرار گرفته است. در شماری از گزارش‌های رجالی به برخی روایات مکتوبه‌هایی به نام تفسیرهای باطنی نسبت داده شده و آن روایات به دلیل انتساب این مکتوبات به آنان، جرح شده‌اند. از دیگرسو، مشهور است که کهن‌ترین تفاسیر شیعی روایی هستند که عمدتاً به عنوان تفاسیر باطنی و تأویلی شناخته می‌شوند. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا پایه میراث تفسیری امامیه براساس یک سنت غالبانه شکل گرفته که در ادوار بعدی اعتبار کسب کرده است؟ این پژوهش نوعی جریان‌شناسی است و سعی دارد به دور از جزم‌اندیشی فلسفی اصولی و با روشی تاریخی و برون‌دینی، این موضوع را بررسی کند.

وی در ادامه گفت: «از جمله کسانی که به باطن‌گرایی در شیعه اشاره داشته‌اند اتان کلبیگ و محمدعلی امیرمعزی هستند. امیرمعزی نگاه باطنی به شیعه دارد و معتقد است که قرآنی که از تشیع



باطنی تمایز دارد و عبارت است از: هویت دوسطحی قرآن، محدود کردن جری باطنی بر هواخواهی گفتمان اهل بیت(ع) و یا تقابل و تضاد با دشمنان آنها و ارتباط جدی میان فهم و تفسیر ظاهر قرآن با باطن قرآن.

وی در انتها اشاره کرد: «نظریه تفسیر باطن براساس خوانش خاص طیف مفضل بن عمر توسعه و گسترش یافت و دارای ویژگی‌هایی بود که نسبت به خوانش عمومی و اولیه شیعیان، بسیار برجسته‌تر بود. بر این اساس پایه میراث حدیثی تفسیری امامیه، دست کم در بخشی که با گفتمان باطن ارتباط دارد، حاصل یک بازنمایی جریانی (نه لزوماً جعل) است. اینکه سنت

فکری طیف مفضل تا چه حد یک سنت غالبانه بود موضوع مستقلاً است که باید در جای خود بحث شود. در عین حال آنچه که ما امروز از آن با انگاره تفسیر باطنی یاد می‌کنیم، یک برداشت حداقلی از یک نظریه و گفتمان عام‌تر و عمیق‌تر با عنوان تفسیر باطن است که هواخواه آن جریان خاصی در میان شیعیان بودند».

به‌طور کلی می‌توان دو قرائت کلی از گزارش‌هایی که در متون شیعی وجود دارند، استخراج کرد. یکی طیف مفضل بن عمر و دیگری آنکه توسط اکثریت امامیه پی‌جویی می‌شود. این دو قرابت دارند ولی در دوسر یک طیف هستند.

که برای ما دارند. بعد از وی نیز سیدمرتضی، شیخ طوسی در تبیان و زرکشی در البرهان این گزارش را می‌دهند. البته گزارش زرکشی عین گزارش شیخ طوسی است. در مجموع این نظرات، مشهورترین نظریه این است که ظاهر همان الفاظ هستند که نازل شده‌اند و باطن، تاویل آن است که تکرار شده است».

گرامی تأکید کرد: «به‌طور کلی می‌توان دو قرائت کلی از گزارش‌هایی که در متون شیعی وجود دارند، استخراج کرد. یکی طیف مفضل بن عمر و دیگری آنکه توسط اکثریت امامیه پی‌جویی می‌شود. این دو قرابت دارند ولی در دوسر یک طیف هستند. طیف

مفضل از حلقه یاران مفضل در مدینه هستند و با پیوستن شاگردان او در عراق ادامه می‌یابد که همزمان هم جرح و هم تعدیل شده‌اند و همچنین متهم به غلو هستند. این طیف به طرف تفسیر گرایش زیادی دارد و برخلاف سایر جریان‌های امامیه

که مایل به فقه و کلام است، علایق غیرفقهی دارد و در این میان علایق تفسیری‌اش برجسته است». سه نکته اصلی در نظریه تفسیری طیف مفضل بن عمر مطرح است که با تلقی ما از تفسیر



نقش نهج البلاغه در جنبش‌های سیاسی ایران

کاری متفاوتی می‌خواهد.

ملکی دربارهٔ انتخاب عنوان گفت: «عنوان بدین لحاظ گزینش شده که ما سه جنبش عمده در سیاست معاصر ایران را می‌بینیم، یکی جنبش تنباکو، دوم مشروطه و سوم انقلاب اسلامی ایران. نهج البلاغه از همان زمان تا انقلاب اسلامی ایران در میان افرادی که در رده‌های اول و به عنوان رهبراین جنبش‌ها بوده‌اند، نقش بسیار مهمی داشته‌اند. اولین کسانی که این بحث را مطرح کرده و ورود دین به مباحث سیاست به ذهنشان خطور کرد، دو نفر هستند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی است که همه با این شخصیت آشنایی دارند. ادعایی را در مورد سیدجمال در رابطه با اینکه او اولین کسی است که عهدنامه مالک اشتر را در عروه الوثقی چاپ کرده است، شنیده‌ام که البته خودم به سندش نرسیدم. نکته‌ای که وجود دارد، اثرگذاری وی بر محمد عبده است و هیچ بحثی بر آن نیست. اگر شما عبارات محمد عبده را بررسی کنید می‌فهمید که چه اراداتی به سیدجمال‌الدین داشته است. تعبیری که محمد عبده دارد، می‌گوید روح حکمت سیدجمال‌الدین دلیل احیای مردگان و روشنایی دل‌هاست. جالب است که بدانیم در بین اهل سنت و حتی ما شیعیان عبده به عنوان یک مصلح شناخته شده و اولین کسی است که عهدنامه مالک را به عنوان بحث سیاسی در دنیای معاصر مطرح کرده است. مقتبس‌السیاسه قبل از شرح عبده بر نهج البلاغه چاپ شده است. یعنی ابتدا عهدنامه مالک را شرح کرد، سپس کل نهج البلاغه را و کاملاً پیداست که نگاه آن، نگاه کاملاً سیاسی است کما اینکه نگاه نهج‌البلاغه هم همین گونه است. در مقدمهٔ مقتبس‌السیاسه یک بحث است که می‌گوید مهم‌ترین موضوعات مربوط به سیاست و اصول مدیریت در عهدنامهٔ مالک اشتر وجود دارد. برخی معتقدند که سیدجمال‌الدین بر میرزای شیرازی هم تأثیرگذار بوده است. البته این امر محل تردید بعضی نیز هست برخی قبول دارند و برخی نه. طرح نهج‌البلاغه به عنوان یک بحث سیاسی در دنیای کنونی توسط محمد عبده صورت گرفت. به نظر من میرزای شیرازی که معاصر سیدجمال هست، آغاز تحول در جهان تشیع است و با وجود تمام تعاریفی که در مورد او وجود دارد اما باز هم جوانب ناشناخته‌ای در رابطه با وی وجود

ششمین نشست از سلسله نشست‌ها با محوریت نهج‌البلاغه با عنوان «نقش نهج‌البلاغه در جنبش‌های سیاسی ایران» با مشارکت مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام و مرکز مطالعات اقتصادی روز دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۷ در دانشگاه مفید برگزار شد.



سخنران این نشست علمی دکتر محمود ملکی استاد برگزیدهٔ دانشگاه قرآن و حدیث بود که با حضور اساتید و دانشجویان دانشگاه مفید و همچنین چند تن از اساتید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

دکتر ملکی در ابتدای این نشست بر این موضوع تأکید داشت که پژوهش وی در این زمینه از دغدغه‌های اخیرش بوده و در واقع طرحی آغازین است برای مسیری طولانی. وی همچنین اشاره داشت که عنوان اصلی بحث نهج‌البلاغه در سیاست از میرزای شیرازی تا انقلاب اسلامی بوده که به پیشنهاد مرکز تحقیقات امام علی علیه‌السلام به عنوان نقش نهج‌البلاغه در جنبش‌های سیاسی ایران تغییر یافته است.

به گفتهٔ وی پژوهشی که انجام شده یک نگاه تاریخی است که یک جنبهٔ آن به دانش سیاست باز می‌گردد و سوی دیگرش به تاریخ و سپس به حدیث. این کار در مقام ارزشگذاری در ارتباط با این که آیا از این گزاره‌ها سیاست استخراج می‌شود یا خیر، نیست. نگاه این پژوهش فقط تاریخی است و می‌خواهد سیری را ارائه کند و در آن نشان دهد که حول نهج‌البلاغه چه اتفاقی در سیاست معاصر ما افتاده است. حال اینکه چگونه از گزاره‌ها بتوان سیاست استخراج کرد، بحث اجتهادی است و حوزهٔ



دارد که یکی از آنها همین بحث است که میزرای شیرازی نهج البلاغه را در میان شیعیان و در حکمت سیاسی شیعه وارد کرده است. نوشته‌اند که شیخ حسنعلی شیرازی شاگرد میزرا بنا بر دستور او هر روز پیش از آغاز درس قدری نهج البلاغه می‌خوانده است. مرحوم نائینی این مطلب را در تنبیه‌الامه به صراحت می‌گوید که میزرا ما را به خواندن عهدنامه مالک توصیه می‌کرد. شاگردان میزرا از جمله سیدعبدالحسین لاری بود در جنوب فارس تشکیل حکومت داد. آخوند خراسانی رهبر تراز اول مشروطه است. میزرای نائینی همان کسی است که نظریه مشروطیت را تقریر کرد و کتابی برای آن نوشت. میزرای نائینی و آخوند خراسانی از سران مشروطه هستند. شیخ فضل... نوری هم که شاگرد میزرای شیرازی است. بنابراین عالمانی که نقش‌های مهم سیاسی در آن دوران دارند شاگردان میزرای شیرازی به شمار می‌آیند و این امر اتفاقی نیست. از آخوند خراسانی که از سرامدان مشروطه هست متنی در مورد نهج البلاغه برجای مانده که شرحی است بر خطبه اول و در آثار خراسانی نیز به چاپ رسیده است. دیدگاه فلسفی آخوند آنجا شرح شده و این نشان می‌دهد که آخوند به متن احاطه دارد و کاملاً بر نهج البلاغه مسلط است. اما مهم‌ترین جایی که از عبارات به طور دقیق استفاده شده تنبیه‌الامه است که کاملاً نشان داده از کجای عبارت و چگونه می‌توان استفاده کرد. میزرای شیرازی از طرفی با سیاست‌آشناست و از سوی دیگر هم با متن عهدنامه و شروع به تطبیق می‌کند».

دکتر ملکی در ادامه افزود: «آیت الله مدرس خیلی سعی داشت متن نهج البلاغه را در میان درس‌های حوزه وارد کند و وارد کتاب‌های درسی شود از نظر او قرآن و نهج البلاغه نکات بسیاری در مسائل تاریخی دارد تلاش‌های مدرس در نجف به نتیجه نرسید و به اصفهان بازگشت. ظاهراً مرحوم مدرس در اصفهان پنجاه‌ها نهج البلاغه تدریس می‌کرد و حاصل تدریس او در اصفهان هم میزرا علی آقای شیرازی است. حلقه میان انقلاب اسلامی ایران و مدرس؛ میزرا علی آقای شیرازی است. شهید مطهری این واقعه را در یک سری از مقالاتش می‌آورد که به صورت کتاب هم چاپ شده است. همچنین در مجله مکتب اسلام این گزارش را می‌آورد که «در سال ۱۳۲۰ یکی از همین مباحث مرا با میزراعلی آقای شیرازی آشنا کرد. وی ابتدا مرا به درس نهج البلاغه میزرا علی آقا شیرازی دعوت کرد. اوایل تردید داشتم اما وقتی رفتم مشاهده کردم که برای خود دنیایی است». شهید مطهری درباره میزرا علی آقای شیرازی می‌گوید «او تجسم نهج البلاغه بود، با نهج البلاغه

می‌زیست، تنفس می‌کرد و روحش با این کتاب همدم بود و هنگام خواندن نهج البلاغه از همه چیز می‌برید». مرحوم شهید مطهری و آیت‌الله منتظری در درس میزراعلی آقای شیرازی شرکت داشته‌اند». دکتر ملکی همچنین در سخنانش گریزی زد به مرحوم طالقانی و گفت: «علاقه بسیار زیاد ایشان به نهج البلاغه هم در آثارش و هم زندگی نامه‌های دیگران که نوشته‌اند کاملاً واضح و روشن است اما در انقلاب اسلامی ایران دو نوع تاثیرگذاری وجود دارد یکی مرحوم شهید مطهری و دیگری آیت الله منتظری که این دو بیشترین تأثیر مسائل سیاسی را از نهج البلاغه دارند. این خیلی روشن و واضح است. کتابی که شهید مطهری در رابطه با نهج البلاغه منتشر می‌کند بخش زیادی را استناد می‌کند به نهج البلاغه و مباحث سیاسی آن را استخراج و استفاده می‌کند. در دو کتابی که امام خمینی (ره) دارند که طی آنها مسائل سیاسی را مطرح می‌کنند به نهج البلاغه استناد می‌شود در حالی که فقها معمولاً در دروسشان به نهج البلاغه استناد نمی‌کنند. اما امام (ره) هم در ولایت فقیه و هم در کتاب البیع فراوان از نهج البلاغه استفاده می‌کنند. اینها همه کتبی است که در سال‌های ۴۰ و ۵۰ تدریس شده است. نکته مهم نهج البلاغه در خراسان است که نخستین بار کسانی که به بحث‌های سیاسی ورود کردند، سید موسی زر آبادی شاگرد شیخ فضل‌الله نوری بود. زرآبادی در دفاع از مشروطه رساله‌ای نوشته که ظاهراً از بین رفته است. شیخ مجتبی قزوینی شاگرد زرآبادی است و میزرا مهدی اصفهانی در مشهد شاگرد نائینی است. آقای حکیمی در کتابش آورده‌اند که این دو به امور مسلمانان و نابسامانی آنها می‌اندیشیده و از آن رنج برده‌اند. همچنین شیخ مجتبی قزوینی متأثر از استادش وارد دنیای سیاست می‌شود که می‌توان اذعان داشت، بن مایه‌های نهضت اسلامی پس از سال ۱۳۴۲ در خراسان شیخ مجتبی قزوینی است. کسی که با یک واسطه به میزرای نائینی می‌رسد. مثال دیگر، محمد تقی شریعتی (شریعتی پدر است) که شاگرد مرحوم شیخ مجتبی بوده است. به تحقیق شریعتی پسر هم از علم‌ودانش پدر استفاده کرده و متأثر از پدر است. در سال‌های ۵۴ و ۵۳ هنگامی که آقای حکیمی از زندان آزاد می‌شود به طرحی برای نظام اسلام می‌اندیشده و براساس این طرح الحیات را نوشته است. الحیات خودش هم مملو است از استنادات به نهج البلاغه. نفر چهارم در خراسان مقام معظم رهبری است که به تدریس نهج البلاغه در مسجد کرامت مشغول بوده‌اند».



گزارش نشست «تهران ۴۳، هفتاد و پنجمین سالروز برگزاری کنفرانس تهران»

در ادامه فرزانه ابراهیم‌زاده با بیان پیشینه تحقیقات خود در خصوص پیامدهای اجتماعی کنفرانس تهران، با ارائه تصاویری به بررسی شرایط ایران و به ویژه تهران در زمان برگزاری این کنفرانس پرداخت. بخش دیگری از صحبت‌های وی به اختلاف نظر در خصوص محل برگزاری کنفرانس و نتیجه تحقیقاتش مبنی بر این که کنفرانس در محل سفارت روسیه برگزار شده است، اختصاص داشت.

صحبت‌های دکتر صفورا برومند بر بیان نقشه ترور سران دولت‌های متفق مستقر در تهران توسط نیروهای آلمانی مقیم این شهر که به عملیات «پرش بلند» مشهور بود، اختصاص یافت. وی با تکیه بر مستندات و گزارش‌های موجود ضمن بیان زمینه‌های انجام این عملیات به نقش گئورگ وارطانیان و خاطراتش پرداخت که حضور او در خنثی کردن عملیات پرش بلند به دستمایه تولید فیلم سینمایی «تهران ۴۳» در سال ۱۹۷۹ منجر شده است.

ادامه جلسه به نمایش بخش‌هایی از فیلم‌های مستند مرتبط با کنفرانس تهران و بخش‌هایی از فیلم تهران ۴۳ که فضای تهران در دوران برگزاری کنفرانس را مجسم می‌کند، اختصاص یافت و دکتر برومند در خصوص این موارد توضیحاتی را ارائه کرد. جلسه پس از ۵ ساعت با پرسش و پاسخ و جمع‌بندی مطالب از سوی دکتر ملک‌زاده به پایان رسید.

به مناسبت هفتاد و پنجمین سالروز برگزاری کنفرانس تهران، از سوی پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در هفتم آذر ماه ۱۳۹۷ نشست «تهران ۴۳» در سالن اندیشه برگزار شد.

در این نشست فرزانه ابراهیم‌زاده، پژوهشگر تاریخ اجتماعی، دکتر الهام ملک‌زاده و دکتر صفورا برومند، اعضای هیأت علمی گروه تاریخ فرهنگی پژوهشکده علوم تاریخی به بررسی علل و نتایج برگزاری کنفرانس تهران پرداختند. اهمیت کنفرانس تهران از آن جهت بود که طی روزهای ۶ تا ۹ آذر ۱۳۲۲ ش (۲۸ نوامبر تا ۱ دسامبر ۱۹۴۳ م) سران دولت‌های متفق درگیر جنگ جهانی دوم، وینستون چرچیل، فرانکلین روزولت و ژوزف استالین در این روزها در تهران اقامت داشتند و به بررسی راه‌کارها برای مقابله نهایی با آدولف هیتلر و نیروهای متحد پرداختند. هم‌چنین، دستاوردهای این کنفرانس، زمینه شکست نهایی هیتلر را فراهم کرد. با توجه به اهمیت کنفرانس تهران و توجه به این که تاکنون تنها به جنبه سیاسی این رخداد توجه شده است، این نشست علمی با ارائه توضیحاتی در خصوص ضرورت بررسی رخدادهای مرتبط با کنفرانس تهران از بُعد اجتماعی و فرهنگی از سوی دکتر الهام ملک‌زاده آغاز شد و به تفصیل در خصوص شرایط جهان و صف آرای‌های دول محور و متفق هم‌زمان با شرایطی که برگزاری کنفرانس در تهران انجامید، سخنرانی کرد.



کرسی ترویجی «بازخوانی انتقادی احکام استثناء در نحو عربی»

می‌دهد در مسائل صرفی و نحو در بین دانشمندان نحوی اختلاف نظر وجود داشته است و دکتر رفیعی می‌خواهند یک مورد از آن را که استثناء است توضیح بدهند».

سپس دکتر رفیعی سخنانش را آغاز کرد و گفت: «علم نحو دانستن مجموعه قواعدی است که با شناخت آن، احوال آخر کلمات و طریقه ترکیب آنها با یکدیگر دانسته می‌شود. بی‌شک احوال آخر کلمات یعنی همان اعراب براساس موقعیت کلمات در کلام تعیین می‌شود و بیشتر این موارد بر اساس قیاس است. بنا بر این هر اسمی که در مقام فاعل واقع شود قطعاً مرفوع است و علت رفع آن فاعل بودن آن است بر این اساس آنجا که اعراب کلمات تابع متبوع خود نباشد قطعاً تابع نقش آنها در کلام است و آنجا که اسمی در موقعیتی قرار گیرد که اعراب ثابت نداشته باشد آن موقعیت برای آن اسم نقش محسوب نمی‌شود مانند مضاف که خود نقش نیست بلکه می‌تواند نقش‌های متعددی چون فاعل، مفعول، مبتداء و... بپذیرد و به تبع آن اعراب آن نیز مختلف خواهد بود».

وی افزود: «با مراجعه به کتب نحو عربی در می‌یابیم که اکثر دانشمندان نحو عربی مستثنی را در ردیف منصوبات ذکر کرده‌اند و حال آن که مستثنی همیشه منصوب نیست. در حقیقت این سؤالات به ذهن متبادر می‌شود که چرا مستثنی با این که همیشه منصوب نیست در باب منصوبات ذکر شده است؟ علت نصب مستثنی چیست؟ عامل نصب مستثنی چیست؟ به عبارت دیگر سؤال این است که مستثنی در عین آن که چون مضاف می‌تواند نقش‌های مختلفی بپذیرد و به تبع آن اعراب مختلف؛ پس چرا در کتب نحو در ردیف منصوبات ذکر شده است؟ مگر مستثنی همیشه منصوب است؟ برای پاسخ دادن به این سؤالات ناگزیر باید به کتب صرفی و نحوی مراجعه و احکام آن به شکل انتقادی بازخوانی شود. آنچه مسلم است این که مستثنی همیشه منصوب نیست بلکه گاهی مرفوع و گاهی مجرور است پس بر این اساس مستثنی نقش نیست بلکه چون مضاف می‌توان برای آن در موقعیت‌های مختلف نقش‌های مختلفی نیز قائل شد. بر اساس آنچه نویسنده گفته‌اند تعیین اعراب، اساس کار

روز شنبه ۲۹ دیماه ۱۳۹۷، کرسی ترویجی با عنوان «بازخوانی انتقادی احکام استثناء در نحو عربی» و با ارائه دکتر یدالله رفیعی برگزار شد.



مدیر علمی جلسه دکتر رمضان رضایی ضمن خیر مقدم به اساتید و ناقدین گفت: «در سده‌های نخستین اسلامی، دغدغه مسلمانان و تازه مسلمانان غیرعرب زبان این بود که قرآن چطور صحیح قرائت شود. اختلاط مسلمانان عرب زبان و مسلمانان غیرعرب باعث شیوع لحن در جامعه شده بود؛ این مهم باعث شد که دانشمندان مسلمان به فکر وضع قواعدی باشند که از لحن جلوگیری کرده و شیوه صحیح قرائت به ویژه قرآن را یاد بدهند. بر این اساس به تدریج ما شاهد هستیم که وضع قواعد نحوی شکل می‌گیرد. طبیعتاً برای وضع قوانین نحو، اختلافاتی پیش می‌آمد این اختلافات را می‌توان در مکاتب نحوی ملاحظه کرد. چندین مکتب در وضع این قوانین شکل گرفت که از جمله مکتب بصری بود که بر قیاس متکی بود. همزمان با مکتب بصره، مشکلاتی که این دو شهر در مسائل سیاسی داشتند به مسایل علمی هم کشیده شد. بنابراین مکتب کوفه کاملاً مغایر با مکتب نحوی بصره پیش آمد و مبنای کار بر شنیدن بود. در ادامه مکتب بغداد شکل گرفت که جمع‌بندی دو مکتب قبل بود. نهایتاً مکتب مصر و شام مطرح شد و مکتب اندلس پس از ورود مسلمانان به آن سرزمین شکل گرفت. پیدایش این مکاتب نشان

نحو عربی را تشکیل می‌دهد و اعراب هر کلمه یا عبارت بر اساس نقش آن در کلام و یا تبعیت از متبوع تعیین می‌گردد، بر این اساس نقش‌ها اعراب ثابتی دارند همچنان که هر فاعلی مرفوع و هر مفعولی منصوب است و نیز دیگر نقش‌ها اعراب ثابتی دارند. استثناء در نحو عربی بر اساس آنچه در کتب نحو آمده در ردیف منصوبات ذکر شده است و حال آنکه استثناء اعراب ثابتی ندارد یعنی همیشه منصوب نیست بلکه گاهی منصوب و گاهی مرفوع و مجرور است، بر این اساس آنچه مفروض است نقش نبودن استثناء در نحو عربی است».

رفیعی تأکید کرد: «بر این اساس می‌توان گفت که مستثنی پس از سایر ادوات استثنا هر اعرابی که داشته باشد به سبب مستثنی بودن نیست بلکه بر اساس نقش آن در جمله است که گاهی مفعول به و گاهی مضاف الیه و گاهی تابع مستثنی‌منه است. و در صورتی که مستثنی پس از «الا» واقع شود اگر اعرابی جز نصب داشته باشد باز هم بر اساس نقش آن است که گاهی فاعل و گاهی مفعول و گاهی تابع مستثنی و ... است. و در صورت منصوب بودن با توجه به این که در باره عامل نصب آن اختلاف زیادی است و با عنایت به دلایل رد هر کدام آیا بهتر نیست که

علت نصب مستثنی را در این حالت بنا بر مستثنی بودن ندانیم بلکه در این حالت نیز آن را تابع «الا» بدانیم و «الا» را به منزله «غیر» در نظر بگیریم و بگوییم از آنجا که «الا» حرف است و اعراب در حرف نمی‌تواند ظاهر شود در کلمه پس از آن ظاهر شده است، مانند موصول حرفی «ال» که هرگاه در کدام نقشی بپذیرد از آنجا که حرف است، اعراب آن در صله آن ظاهر می‌شود، مانند «السارق و السارقه فاقطعوا أیدیهم» (ال) به معنای (الذی)، مبتدا و مرفوع است که علامت رفع آن در صله آن؛ یعنی (سارق) ظاهر شده است».

در ادامه نشست، دکتر متقی‌زاده به عنوان ناقد اول ضمن بلند شمردن مرتبه سیبویه، گفت: «در وصف سیبویه گفته شده است اگر کسی قرار است بعد از سیبویه در باب نحو عربی چیزی اضافه کند باید خجالت بکشد. لذا نام کتاب او را «الکتاب» گذاشتند.

دو اتفاق در تاریخ نحو عربی افتاد که ۲ نگرش را با خودش به همراه آورد یک نگرش که دکتر رفیعی به آن نگاه می‌کند و من با آن موافق نیستم و یک رویکرد که سیبویه و جرجانی آن را دنبال کردند که من با آن موافق هستم. در مورد ایده رفیعی باید بگوییم اولاً طرح این فضای گفتگو قابل تحسین و تأمل است ولی باید بگوییم حرکت تنها یکی از ویژگی‌های نحو عربی است نه همه ویژگی‌های آن. ثانیاً دکتر مقایسه کردند مضاف را با مستثنی.

که به نظر من این مقایسه جایز نیست چون مضاف نقش نیست، موصوف نقش نیست اما صفت نقش است. مضاف الیه نقش است، استثنا نقش است. استثنا یک نقش است اما طبق داده‌هایی که دکتر رفیعی دادند و ایرادی که گرفتند باید این سال مطرح شود که مستثنی را اگر از جهت کمی ملاحظه کنیم در یک

کتابی که ۱۰۰ تا استثنا استفاده شده است ۲ تا کمیت را می‌شود فکر کرد: ۱- بین ۸ تا از ادوات استثنا، پربسامدترین‌ها کدام است. رتبه اول متعلق به الا است. ۲- در همین داده‌های دکتر نصب و وجوب نصب، چند درصد غیرنصب است. نحو عربی یک بسته کامل است و همه را باید باهم دید. استثنا اگر چه در برخی جاها مرفوع و مجرور است. استثنا وقتی ساختار



جمله هنوز کامل نباشد و به این گونه می‌شود. اگر این سؤال دکتر رفیعی در استثنا وقتی ساختار جمله هنوز کامل نباشد به این گونه می‌شود. اگر این سؤال دکتر رفیعی در استثنا قابل طرح باشد در تمییز هم قابل طرح خواهد بود. جمع‌بندی من این است ما یک مستثنی منقطع داریم که مثال قرآنی آن: «لایسمعون فیها لغوا الا سلاما» اگر دکتر رفیعی علاقه‌مند هستند باید وارد این پژوهش شوند. اینکه چرا ترجمه الا اینجا جواب نمی‌دهد. این جا باید به جای الا، لکننا بیاوریم و معنی استدرک می‌شود. این پژوهش‌ها زیباست».

دکتر رفیعی در پاسخ بیان کرد: «من در عظمت سیبویه شکی ندارم و آنچه را که در بحث تفاوت بین نحو امروز و نحو گذشته و آن بحث تجدید که زمانی در کشورهای عربی مطرح بود و مقایسه‌ای



که امروز در بحث زبان می شود که قواعد عربی کار را برای متعلمین سخت کرده از بدیهیات است. اما من سوالاتی مطرح کردم و توقع داشتم دکتر متقی زاده به آن سوالات پاسخ بدهند لذا سوالات من بی پاسخ ماند و از طرفی قیاس مضاف با مستثنی درست نیست. در جایی که مقایسه با تمییز انجام شد مثل خمسه کتب که علت جر کتب مضاف الیه بوده است. هیچ کجا نگفته اند تمییز منصوب است حالا اگر گاهی در جاهایی مثل هل من ناصر مبتدا مجرور می شود طبیعتا جایگاه خودش را دارد که گاه حرف جر زاید است، گاه ظاهر می شود و ... علت جر ها کاملا مشخص است. در مورد مطلبی که در بحث ترجمه اشاره کردند هم قبول دارم ترجمه های قرآن واقعا ناقص است ترجمه یعنی نقل از یک زبان به زبان دیگر در همین مثال استاد باید بگویم چرا سلما منصوب است؟ آیا عامل نصب آن

مستثنی بودن است؟»
سپس دکتر فقهی به عنوان ناقد توضیح داد: «همه ما می دانیم زبان شناسی جدید مسائل نحوی را به طور متفاوتی بحث می کند و پژوهش شما به این مسئله توجهی نکرده است. شاید براساس تئوری معناگرایی مستثنی بودن یک نقش باشد. چون در معنا واقعا مستثنی است. در ساخت گرایبی ممکن

است یک جا منصوب باشد و یک جا مجرور باشد. نقش از دست نمی رود و براساس حادثه ای، عاملی و یا ... گاهی منصوب یا مرفوع می شود».

دکتر رفیعی در پاسخ گفت: «عامل اصلی فعل است و بعضی از حروف هم می توانند عامل باشند مثل فی المدرسه یعنی عامل جر است. اما بعضی از عامل ها فقط یک عمل دارند مثل حرف جر. یعنی حرف جر فقط اسم بعد از خودش را مجرور می کند هیچ وقت منصوب نمی کند ولی فعل عمل های مختلف دارد. وقتی می گوئیم جاء رجل این رجل به عنوان یک کلمه مرفوع یک عامل دارد و آن جاء است ولی چرا جاء رجل را مرفوع کرده و منصوب نکرده است؟ پاسخ این است که فاعل است و این همان علت است».

دکتر فقهی در ادامه گفت: «شما نوشته اید اعراب هر کلمه براساس نقش آن در کلام و تبعیبت از

متبوع تعیین می گردد. این را توضیح بفرمایید. نقش داشتن یا نداشتن مقوله معنوی است. مفعول بودن، تمییز بودن، استثنا بودن و ... مقوله معنوی است. همچنین در زبان شناسی جدید به معنا توجه می شود و معنا محوری است و شما هم در صفحه ۶ آن را مطرح کرده ید. دکتر رفیعی در پاسخ به سوالات مطرح شده بیان کرد: این که از لفظ بیرون بیاییم و به معنا پردازیم جایش اینجا نیست. آنچه در نحو عربی مطرح است و به آن توجه نمی شود، این است که باید از لفظ پی به معنا ببریم. به نظر من لفظ مقدمه ای برای برداشت معناست. این که معیار چیست و چرا مستثنا نباید در ردیف منصوبات باشد، معیار من قیاس است. فاعل همیشه مرفوع است اگر گاهی مجرور باشد حرف جری بر سر آن آمده و یا مضاف واقع شده است. این جر لفظی است ولی تقدیرا اعرابش چیز دیگری است و سؤال من این است



که چرا در مستثنا این رخ نمی دهد. وقتی شما مبتدا را مجرور ببینید، می گویند تقدیرا مرفوع است ولی لفظا مجرور است چون حرف جر «من» آمده است ولی در استثنا این را نمی گویند. چرا نمی گویند (نصب علی الاستثناء) نمی گویند علت نصب چیز دیگری است. اگر مجرور باشد می گویند مضاف الیه است. چرا در اینجا نمی گویند: نصب علی

الاستثناء. در بحث قیاس اگر ما مستثنی را قیاس کنیم، به سایر احکام در آنجا بحث این است که یک اعراب تقدیری داریم یک اعراب لفظی. در حالی که در استثنا کسی آن مطرح نکرده که لفظا مجرور است ولی عقلا منصوب است یا تقدیرا منصوب است. بحث بعدی که عامل بود را توضیح دادم. از طرفی دکتر به دو نوع اعراب اشاره کردند. باید بگویم ما دو نوع اعراب داریم: یک اعرابی که بر اساس تبعیت است یعنی تابع ما قبل هستند. حال اگر نقش ماقبل را می پذیرند، علت اعراب آن تبعیت است. در «جاء رجل عالم» علت رفع رجل نقش فاعلیت است. ولی اگر بگوییم «رایت رجلا عالما» در آن جا منصوب است و عالما تبعیت می کرد از اعراب رجل». در خاتمه دکتر رضایی ضمن تشکر از ناقدین و ارائه دکتر رفیعی از حضار دعوت کردند تا سوالات خود را مطرح کنند.

گزارشی از نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی، فناوری و فن بازار سال ۱۳۹۷

در این مدت میهمانان و مراجعه‌کنندگان علاقه‌مند و البته محدودی از غرفه پژوهشگاه بازدید و سوالاتی در زمینه تأثیر علوم انسانی و پژوهشگاه در جامعه مطرح کردند. از جمله میهمانان غرفه پژوهشگاه می‌توان به دکتر برومند، معاون محترم پژوهشی وزارت علوم، دکتر شریفی، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری امور پژوهشی، دکتر عبدالساده نیسی، مدیرکل دفتر حمایت و پشتیبانی امور پژوهشی و فناوری و دکتر یوسفی، نماینده سازمان برنامه و بودجه اشاره کرد.

غرفه پژوهشگاه ضمن پذیرایی از میهمانان محترم، آنها را با یک گلدان زیبای کوچک و دو لوح فشرده شامل کتاب‌های نفیس بنیاد فرهنگ بدرقه می‌کرد.



نمایشگاه فن بازار از روز دوشنبه ۳ دیماه ۹۷ آغاز و تا روز پنجشنبه ۶ دیماه ادامه داشت. ساعت کاری نمایشگاه از ۹ الی ۱۷ بود و همکاران از پژوهشگاه به‌رغم مشغله‌های کاری در این مدت صمیمانه در نمایشگاه حضور داشتند. لازم به ذکر است فعالیت‌ها برای شرکت در نمایشگاه از چند روز قبل آغاز شده بود و تعدادی از همکاران خودجوش مشغول فعالیت برای برپایی هرچه بهتر نمایشگاه بودند. اقلام و دستاوردهایی که در این نمایشگاه برای ارائه انتخاب شدند عبارتند از:

- پرتال جامع علوم انسانی
- پهلواژ
- پایگاه دادگان زبان فارسی
- انتشارات یک سال اخیر پژوهشگاه
- انتشارات و بروشور طرح جامع اعتلا
- معرفی همایش ارتباط علوم انسانی و صنعت
- معرفی مرکز آموزش‌های آزاد
- معرفی وب سایت پژوهشگاه
- معرفی اپلیکیشن موبایل پرتال جامع علوم انسانی
- ارائه آمار دستاوردها و فعالیت‌های پژوهشی پژوهشگاه
- ارائه بروشورهای مختلف از بخش‌های مختلف پژوهشگاه





گزارش تصویری از هفته پژوهش در پژوهشکده دانشنامه‌نگاری







وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فراخوان انتشار ویژه نامه

«بلاغت»

کهن نامه ادب پارک

فصلنامه علمی - پژوهشی

سال نهم، دوره نهم

دارای مجوز علمی کمیسیون نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۱۳۹۱/۴/۲۱ به شماره ۱۰۳۳۶۰/۳

محورهای ویژه نامه:

- بلاغت و سیر تاریخی آن
- بلاغت و اعجاز زبانی قرآن
- بلاغت و شاخه های آن
- بلاغت و زبان شناسی در نظریه های زبانی
- بلاغت در ارتباطات
- بلاغت و سبک شناسی
- کاربرد بلاغت در نقد ادبی و نقد ارتباطی
- چشم اندازهای نقد بلاغی
- عناصر مهم در نقد بلاغی
- نقد بلاغی آثار ادبی

تاریخ انتشار: بهار - تابستان ۱۳۹۸

آخرین مهلت ارسال مقالات به سامانه: ۱۵ اسفند ۱۳۹۷

نشانی سامانه: <http://classicallit.iics.ac.ir>



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فراخوان مقاله

دوفصلنامه بررسی مسائل اقتصاد ایران

دوفصلنامه علمی- ترویجی « بررسی مسائل اقتصاد ایران » توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر می شود، از استادان، پژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دعوت می شود مقاله های علمی- ترویجی خود را در موضوعات زیر یا سایر موارد مرتبط، برای انتشار در این نشریه ارسال کنند.

موضوعات محوری فصلنامه:

انتشار نتایج پژوهش ها و مطالعات نظری و کاربردی در ابعاد مختلف اقتصاد ایران در محورهای زیر مورد اهتمام این نشریه خواهد بود:

۱. مطالعات ترویجی در مسائل و سیاست های اقتصاد ایران از دیدگاه رویکردهای مسلط و رقیب علم اقتصاد نظیر رویکرد طرف های کلاسیک و کینزی، اقتصاد نهادگرا و اقتصاد اسلامی.
۲. مطالعات در بخش های حقیقی و مالی اقتصاد ایران شامل بازارها، نهادها و ابزارهای آن.
۳. مطالعات در نظریه ها، راهبردها و سیاست های توسعه و رشد متناسب با اقتصاد ایران.
۴. مطالعات در نظریه ها و سیاست های پولی و مالی، با تأکید بر اقتصاد ایران.

بدیهی است که مقالات ارسالی باید روش مند و دارای استانداردهای مقالات علمی- ترویجی باشند.

خواهشمند است مقاله خود را به صورت الکترونیکی در سامانه

<http://economics.ihcs.ac.ir> بارگذاری فرمایید.

تهران، بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آیینه وند (۶۴ غربی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

طبقه اول، پژوهشکده اقتصاد، کدپستی: ۱۴۳۷۷۷۴۶۸۱، صندوق پستی ۶۴۱۹

مرکز اسناد فرهنگی آسیا برگزار می کند:

همایش ملی

سفرنامه های فارسی در هندوستان

(صفویه تا قاجار)



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز اسناد فرهنگی آسیا
asian cultural
documentation center
for unesco-tehran



کد اختصاصی همایش: ۲۱۸۰۱-۹۷۱۸۱

Persian Travelogues in India (Safavid to Qajar)

محورهای همایش:

- مبانی فرهنگی و عناصر موجود در سفرنامه های فارسی در هندوستان
- مؤلفه های فرهنگی و تاریخی سفرنامه های فارسی در هندوستان
- تحلیل محتوای نسخه های کتابت شده سفرنامه های فارسی در هندوستان
- نگارگری هندی در نسخه های سفرنامه های فارسی در هندوستان
- جایگاه واقع گرایی و تخیل در سفرنامه های فارسی در هندوستان

مهلت ارسال مقالات: ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۷

زمان: یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۹۷ - ساعت: ۱۷ تا ۹

مکان: بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آئینه وند (۶۴ غربی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت

www.acdcu.ir

www.ihcs.ac.ir

persiantravelletters@gmail.com

مرکز تحقیقات فارسی
تهران

بنیاد سعدی
انجمن زبان فارسی در جهان



مدیر مسئول: سیدمحسن علوی پور

سردبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، شهرام اصغری، صادق کیا و سعیده زندی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال سروش: @pajoheshgah